



NP 343873

مهاجرین فقیر و آواره، غرب کابل در دیار غربت پشاور یکبار دیگر ثابت نمودند که!

## مزاری در وجدان هر فرزند غرب کابل نفس میگذد

عارف حسین «حسینی» رهبر و گردیدند تا خاطره و یاد رهبر و سالار شهید شان را گرمی داشته و یکبار دیگر در محیط غربت و آوارگی نیز میثاق ادامه راه او را در درازنای زمان تجدید نمایند. خبرنگار «صفحه نو» وقتی به محل برگزاری جلسه حضور یافت عقربه ساعت، ۹ قبل از ظهر را نشان میداد، ظنن پرشکوه تلاوت قرآن کیلومتر ها دور تر از مدرسه بگوش میرسید که خود دلیل راه بود بر آنانی که برای نخستین بار سراغ این مدرسه را میگرفتند. دیوار های مدرسه و فراز درهای ورودی آن همه با پستر های رهبر شهید و پارچه های سیاه که بر روی آنها جملاتی از سالار شهید، تحریر گردیده بود تزئین شده و در داخل مسجد صد ها تن

بیست و دوم حوت مصادف بود با سالروز شهادت رهبر، پیشوا و پدر ملت «مزاری بزرگ». با طلوع خورشید در این روز هزاران نفر پیوندگان راه رهبر شهید از نقاط مختلف پشاور و اسلام آباد به صوب مدرسه شهید

### تذکر ضروری:

استاد خلیلی در طول مدت زمان یکسال گذشته هیچگاهی به ایران سفر نکرده اند.

روز نامه شهادت در شماره ۱۸۶ پنجشنبه ۷۴/۱۲/۲۴ خویس با تیتراژ برجسته خبری را به نشر رساندند که استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی بتاريخ ۲۳ حوت در تهران بوده و در حسینیه ارشاد تهران نیز سخنرانی مفصل داشته اند. دوستان قلم بدست ما (۱ ص)

داخلت در امور داخلی و حمایت غیر منطقی از خائنین ملی در افغانستان.

## افتتاح دیگری را برای مسوولین جمهوری اسلامی ایران ببار آورد

\* خواران مهاجر و حماسه آفرین ما در تهران با فریاد های مرگ بر خائنین ملی و مرگ بر اکبری و فاضل و دورد بر مزاری بزرگ، از سخنرانی محمد اکبری بخت از رهبران شبکه خاب به منافع ملت افغانستان جلوگیری نمودند. \* صد ها تنقه نوبتی اکبری در جلسه توسط خواهران ما باره باره شده و در رضا بخش گردید. \* تا کنون از سر نوشت زده نفر از برادران مهاجر و بی گناه ما که به اتهام دست داشتن در قضیه توسط عمال رژیم حاکم بر ایران گرفتار و بعد از شکنجه و کرب به شکنجه گاه های رژیم فرستاده شده اند خبری در دست نیست. \* طوریکه هموطنان عزیز ما اطلاع دارند: سردمداران رژیم حاکم بر ایران در پیروی از سیاست نژادی خویس بخاطر تثبیت پایه های حاکمیت ضد مردمی (۹ ص)

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

## طلوع سرخ

مردی را که اراده کرده بود، زنجیر های ستم را بشکند، شهید کردند. با شهادت او، سنگر عدالت، نیز شهید شد. عدالت، قانون خدا و زیربنای تکامل اجتماعی، بخاطر درهم پیچیدن طومار ظلم و ستم و شقه شدن انسانیت، پرچمدارش را، در کشور ستم زده افغانستان از دست داد. ساختار سیاسی کشور ما، از آغازین خود، بر قتل و کشتار، سوار بود. قتل رهبر مردمی که همیشه قربانی این ساختار، بوده اند و می خواهند، بر این سنت ناپاک، نقطه پایان بگذارند، همیز دیگرست بر ادامه آن ساختار آدمخوار. او که در فرجام راهش، تمام ایبای وطن، افغان و هزاره، تاجک و ازبک، کرامت انسانی خود را باز می یافت و در اوج برادری، افغانستان نوین، آزاد و مترقی را بنیان می نهادند، بخون کشیده شد؛ که نا انسانی ترین سنت، مردی را که اراده کرده بود، زنجیر های ستم را بشکند، شهید کردند. با شهادت او، سنگر عدالت، نیز شهید شد. عدالت، قانون خدا و زیربنای تکامل اجتماعی، بخاطر درهم پیچیدن طومار ظلم و ستم و شقه شدن انسانیت، پرچمدارش را، در کشور ستم زده افغانستان از دست داد. ساختار سیاسی کشور ما، از آغازین خود، بر قتل و کشتار، سوار بود. قتل رهبر مردمی که همیشه قربانی این ساختار، بوده اند و می خواهند، بر این سنت ناپاک، نقطه پایان بگذارند، همیز دیگرست بر ادامه آن ساختار آدمخوار. او که در فرجام راهش، تمام ایبای وطن، افغان و هزاره، تاجک و ازبک، کرامت انسانی خود را باز می یافت و در اوج برادری، افغانستان نوین، آزاد و مترقی را بنیان می نهادند، بخون کشیده شد؛ که نا انسانی ترین سنت،

## سالها در کعبه و بتخانه می نالاد حیات تا ز بزم عشق یک دانای راز آید برون

سالروز شهادت پسر و رهبر را به همه رهبران نستوه راه آن بزرگمرد فرزانه، تاریخ تسلیت میگویم

## جانفوری بصورت مکمل از لوث و جوده نیروهای شرارت پیشه و مزدور دولت کابل پاکسازی گردید

بنیاد آندیشنه \* نیروهای قهرمان حزب وحدت اسلامی دشمنان قسم خورده مردم را تا ولسوالی قره باغ ولایت غزنی تعقیب نموده و تعدادی از قراء، مربوط آن ولسوالی را نیز پاکسازی نمودند. \* صد ها تنقه کلاشکوف، ده ها باب زیکویک و ماشیندار های دائم های زی او، دستگاه های پرتاب هواپیمایی و سایر باندهای زیادی از میمات آنها به تصرف نیروهای مردمی حزب وحدت اسلامی در آمد. طبق گزارشهای رسیده از جاغوری در پی شرارت افگنی نیروهای مزدور دولت نام نهاد کابل که منجر به ترور و شهادت پنج نفر از فعالین حزب وحدت اسلامی گردید، مسوولین حزب وحدت اسلامی تصمیم (۹ ص)

## راه بیابان کمیسور زنان حزب وحدت اسلامی در قم

\* هزاران تن از خواهران ما در اعتراض به اینکه مقامات دولتی جمهوری اسلامی در ایران مانع از تدویر محفل شان بخاطر بزرگداشت از شهادت رهبر شهید «مزاری بزرگ» گردیدند دست به راه بیابانی زدند. \* خواهران در مقابل خانه ای که اقامتگاه فامیل آن شهید فرزانه، تاریخ است مجلس سخنرانی دایر نمودند. طبق گزارش های رسیده از شهر مقدس قم چندی قبل کمیسور زنان حزب وحدت اسلامی در قم تشکیل جلسه داده و فیصله بعمل آورده بودند (۵ ص)

- آنچه در این شماره می خوانید
- پیام استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. ا. (۳ ص)
- مزار شریف در تجدید میثاق با رهبر (۵ ص)
- مطابقت به اعلامیه حزب وحدت اسلامی افغانستان
- مراسم عزای ملی در بامیان برگزار شده (۸ ص)
- مسجد امام حسین در میدان امام حسین،
- با شکوه ترین تجلیل از مقام سید الشهدای افغانستان «مزاری بزرگ» رابه تماشا نشست (۵ ص)
- متن سخنرانی استاد بلاغی مسوول کمیته،
- سیاسی حزب وحدت اسلامی افغانستان (۲ ص)
- رسم شهادت در این شهر شخصیت های جمعی (۴ ص)
- متن پیام استاد محقق مسوول امور سیاسی صفحات شمال ح. و. ا. ا. (۸ ص)

# متن سخنرانی حجة الاسلام و المسلمین استاد بلاغی عضو شورای مرکزی و مسؤول کمیته، سیاسی حزب وحدت اسلامی که به مناسبت سالروز شهادت رهبر نشیمن در مدرسه، غلابه عارف حسین حسینی در حاجی کیچپ پشاور ایراد فرمودند

الحمد لله رب العالمین الصلوة والسلام علی محمد و آلہ الطیبین و الطاهیرین.  
اما بعد فقال الحکیم فی القرآن الکریم من المؤمنین رجالا صدقوا ما عاهدوا الله علیه و منهم من قضا نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا

به نمایندگی از دفتر حزب وحدت اسلامی افغانستان در پشاور و به نمایندگی از مهاجرین شریف و غیور و آزاده، غرب کابل از عموم حضار محترم مخصوصاً مهبانان عالی قدر جهانی تشکر و سپاس گذاری نموده و تشریف آوری شاترا در این محفل خیر مقدم عرض می کنم.

همه می دانیم که امروز ۲۲ حوت اولین سالگرد شهادت جانگداز سردار رشید اسلام رهبر فقید «مزاری بزرگ» است. مزاری بزرگ یک سال است که از میان مردم ما رفت اما واقعتاً های جاری در بستر زمان ثابت ساخت که مزاری غرور و هرگز نخواهد مرد. مزاری به جایمانگی پیوست او که از میان دریا دریا رنج بی پایان مردم ما برخاسته بود؛ آرزو های تاریخی مردم ما را فریاد می کرد

به این دلیل مردم ما مزاری را مجسمه اراده و مجسمه غرور و حیثیت مردمی

خود می دانستند مزاری دیگر از قالب یک شخص و یا یک فرد فراتر رفته بود؛ قالب تنگ شخصی در اندیشه و عملکرد تاریخ ساز او درهم شکست و مزاری تبدیل به یک ملت شد و ملت هرگز نخواهد بود. مزاری پرچم دار آزادی و عدالت در افغانستان بود ما معتقدیم که مکتب

آزادی و عدالت هرگز بسته نخواهد شد و بنا بر این مزاری جاودانه است. ما معتقدیم که نه تنها اسامی بلکه در هر سال در گوشه گوشه از سرزمین پر افتخار افغانستان رختی در عالم و دیار غربت هجرت و آوارگی مانند پشاور از سالگرد شهادت استاد مزاری تجلیل های شکره مند می عمل خواهد آمد.

تجلیل از مزاری تجلیل از سرنوشت مردم است. تجلیل از مزاری تجلیل از اراده، ملی ماست تجلیل از مزاری تجلیل از حیثیت، شخصیت و آزادی و پرور مردم ماست مزاری بزرگ درست است که از قبیله و از میان محرومین قوم هزاره برخاسته است. ولی مزاری در

حقیقت امر فرزند صادق یک ملت بود. هیچ افغانستانی آزاده و شریفی نمی تواند نقش مزاری بزرگ را در ایجاد و یا فراهم آوردن زمینه های وحدت ملی در افغانستان انکار کند راه مزاری، اندیشه مزاری به عنوان اندیشه تابناک آزادی، برابری ملت ها و برادری ملت های مسلمان ساکن در افغانستان به عنوان یک اندیشه، ناب عدالت اجتماعی در سینه تاریخ مبارزات آزادی خواهی ملت غیور و قهرمان و سر بلند افغانستان باقی خواهد ماند همچنان که عرض کردم مزاری نموده ست مزاری تبدیل شد به یک ملت، تبدیل شد به

یک رستاخیز ملی. چون ملت ها همیشه مردنی نیست چون آزادی و عدالت مردنی نیست بنابراین مزاری جاودانه است و هرگز نمرده است همچنان که عرض کردم مردم ما مصمم و قاطع اند تاراه

مزاری بزرگ را استوار تر از دل نایدیدیم در درازنای تاریخ قرن ها حفاظت کنند، صیانت نمایند و آنرا ادامه دهند. انبیا کردند در بدترین شرایط ناگوار همچنان که بیکر باک او را و به صد ها کیلو

ستر از میان کوه بایه های مانند کوه بایه به دوش شان حمل کردند، به یقین اندیشه، مزاری و راه او را و به قرن ها در درون وجودش و سینه، خود، در تاریخ افغانستان حفظ خواهند کرد.

(تکبیر حضار)  
لازم می دانم به طور فهرست وار در چنین روزی مسایلی را راجع به اوضاع جاری کشور خویش با شما در میان بگذارم؛ ما معتقدیم آنچه که به نام حکومت کابل یا اداره، کابل فعلاً در کابل موجود است حکومت قابل بقا و دوام در افغانستان نخواهد بود ادامه این وضعیت و دوام این حکومت فائقه بایه های وسیع مردمی جز ادامه، بحران جز تشدید خصومت ها جز ویرانی و بریادی مملکت ما نتیجه و حاصل دیگری تا کنون نداشته و از این به بعد هم نخواهد داشت.

عامل دوام این وضعیت نا هنجار که تا مفر استخوان ر افغانستانی آزاده و سر بلند را سرنزاده و منافع ملی ما را هر روز در شاهراه نابردی سوق میدهد، اداره چنان غاصب و انحصار گریه حکومت کابل است و مسلماً مسروبت دوام وضعیت مرگبار کنونی نیز بدوش آنها خواهد بود. آنچه که میتوان به عنوان عوامل عمده، بحران جاری کشور مشخص کرد دو چیز است: یکی اینکه حکومت کابل هیچگاهی در طول چند سال حاکمیت نام نهاد خود هرگز به منافع علیای وطن و منافع ملی فکر نکرد و جز در اندیشه، بقا و دوام حکومت غیر قانونی و فاشیستی و سکتاریستی خود به چیزی دیگری نیندیشید.

اگر ما هزاره ها را خواستند، یا امروز اگر آقای سیات را در کنار خود دارند، اگر دست دوستی به سوی کسانی دیگری دراز کرده و یا دراز می کنند برای حل ریشه ای قضیه، افغانستان نیست آنها نمی گویند بایه باهم اتحاد کنیم بلکه می گویند بایه با من اتحاد کنید آنها همه را برای خود و صرفاً برای بقا و دوام حکومت کاملاً فاشیستی و سکتاریستی و در عین حال منطوری خود می خواهند. از جانب دیگر گروه طالبان که یک خیانت ملی را مرتکب شده رهبر و پرچمدار سنگر عدالت و آزادی «مزاری بزرگ» را به شهادت رساندند در امر و برهه، مذاکرات مخالفین دولت کابل در طول یک سال که گذشت هیچگاهی و هیچ روزی و هیچ وقتی گام های صادقانه را برنداشتند و تا کنون هم حاضر نیستند که برآوردند. بنا بر این عدم تعهد به قرار داد و عدم التزام به تعهدات طالبان از یک جانب و اصرار بر دوام حکومت ظاهراً غیر ملی دولت فاشیستی و نام نهاد کابل از سوی دیگر عدم صداقت و اخلاصندگی گروه طالبان نسبت به سایر مخالفین و در رأس آنها شورای عالی همنانگی، کمزیر ملت افغانستان را شکسته و مصالح ملی ملت و مملکت ما را کاملاً برباد داده و افغانستان را در گروه ای از حوادث مرگبار قرار داده است. حزب وحدت اسلامی نه یک بار بلکه بارها همچنانکه در پیام محترم دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قرائت گردید، راه حل قضیه، بیپسیده، افغانستان را در جنگ نمی داند. ما معتقدیم که جنگ جز ویرانی و بریادی افغانستان و جز انهدام نیروها دیگر هیچ نتیجه و

حاصلی نداشته و از این به بعد هم نخواهد داشت. ما راه حل قضیه، افغانستان را در مذاکره و تفاهم بین الاقناتی سراغ می کنیم و می دانیم و معتقدیم که خود افغانها باید سرنوشت خود شاترا در داخل مملکت شان و بر اساس منافع ملی شان باید تعیین کنند و بس. (تکبیر حضار). ما با اینکه از تمامی کشورهای دوست که در دوران جهاد به ملت قهرمان و مجاهد ما کمک های بی شباه و فراوان کردند در رأس از کشورهای مسلمان و برادر خاصاً برادران پاکستانی و ایرانی خود مصراهم می خواهیم که در امر به

وجود آوردن صلح استقرار و امنیت در افغانستان به مردم و ملت ما کمک کنند و در امر تعیین سرنوشت ملی ما دخالت نکنند. ما کمک از هر کشور را

و مخصوصاً از کشورهای برادر و همسایه را با آغوش باز استقبال می کنیم اما دخالتگر سرنوشت مملکت خود را از هیچ کسی نمی پذیریم. اصرار بر انحصار قدرت و مداخله، قدرت های خارجی درام وضعیت موجود در افغانستان را بار آورده است و اگر این وضعیت دوام کند به یقین حکم می توان کرد که در آینده نه چندان دور

چیزیکه در افغانستان مطرح نخواهد شد و هرگز مطرح نخواهد شد سرنوشت ملی ما و منافع ملی و سرنوشت ملت قهرمان و سر بلند افغانستان است دیگر هر چیزی در آن جا دنبال خواهد شد.

پس بنا بر این ما در سال روز شهادت جانگداز استاد شهید، پرچم دار عدالت و آزادی و برادری و برابری ملت های برادر و مسلمان ساکن افغانستان، دست دوستی، دست مذاکره، و تفاهم و توافق را با محور قرارگرفتن منافع ملی به سوی تمامی احزاب و سازمان ها و تنظیم های جهادی کشور دراز می کنیم همچنان که عرض کردیم جنگ را ما راه حل نمی دانیم مذاکره، صلح و تفاهم

است که در نهایت معضله و مشکل افغانستان را حل خواهد کرد. اما باید هر یک ما مصالح ملی و مصالح علیای وطن خود را بر مصالح حزبی خود ترجیح

دهیم. ما وقتی می توانیم و قادریم که مشکلات اساسی افغانستان را حل کنیم که جز به افغانستان واحد و تجزیه ناپذیر و وحدت ملی آن به چیزی دیگری نه اندیشیم. حزب وسیله است نه هدف اثر امر دایر خود که اسلام در افغانستان بایه حفظ خود یا حزب یا ملت و یا منطقه، بایه حزب و سازمان ها و تنظیم ها ترسانی مصالح ملی

مملکت ما افغانستان کرده نه که افغانستان و مصالح علیای افغانستان ترسانی مصالح تنظیمی و مستی و گروهی کرده. انتقادی که ما بر دولت و یا شبه حکومت با اداره، غاصب و نام نهاد کابل داریم ایست که

غرور ملی، افتخار ذاتی، هادی منافع علیای افغانستان، عزت، و غرور و حیثیت ملی ما را قربانی سه سال حاکمیت کاملاً فاشیستی و سکتاریستی منطوری و سستی خویش کرده. اگر قضیه این چنین ادامه پیدا کند هرگز قضیه، افغانستان حل نخواهد شد تنها حکومتی از نظر ما قابل قبول است و مورد استقبال و احترام ماست و از آن ما همیشه پشتیبانی می کنیم که آن حکومت از قاعده های وسیع مردمی در افغانستان برخوردار باشد و تغییر در حکومتی در افغانستان قادر است صلح، امنیت را در کشور پیاده نماید و افتخارات جهاد را اعاده کند و

مهاجرین سر بلند و پر افتخار و با عزت به وطن خویش برگردند که تمامی ملت اراده، ملی خود را در آن حکومت تجسم یافته فکر کند. ما متأسفیم که سالگرد شهادت استاد بزرگ را در شهر پشاور برگزار می کنیم ما در سال ۷۱ در سپیده

دم پیروزی انقلاب اسلامی در رکاب دبیر کل حزب وحدت اسلامی محترم آقای استاد خلیلی از همین شهر پشاور رفتیم. یکی از مصائب معاهده، پشاور عدم توجه به شش ساله بود؛ نادیده گرفتن سرنوشت بخش وسیع از مردم ساکن در افغانستان؛ سرنوشت مردم ما یعنی جامعه شع افغانستان در این جا مشخص و روشن نشد.

در جلسه گفتند ما حرف شعبان افغانستان را در کابل می گویم. سرنوشت همه چیز را در این جا تعیین کردند حکومت دو ماهه حکومت چهار ماهه، بعد از آن مسأله، شورای اهل حل و عقد تمام سهلبل را، ولی تنها چیزیکه در این جا مشخص شد سرنوشت مردم افغانستان اندیشه

مزاری بزرگ در کابل در رأس شورای همنانگی گیری و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در افغانستان بود ما هیچ چیزی دیگری نمی خواستیم ما در رأس ما استاد مزاری می خواستیم که سرنوشت ما در آینده، افغانستان در داخل کشور ما مشخص و تعیین گردد ما بارها گفتیم و یک بار دیگر هم می گویم ما انکار نمی کنیم، ما شیعه هستیم ولی شیعه، افغانستانی هستیم ما به استقلال سرزمین خود و به تمامیت ارضی افغانستان و وحدت ملی از هر چیز دیگر کرده اهمیت قابل هستیم (تکبیر حضار) ما با صدای رسا و قامت بلند گفته ایم و می گویم که استقلال ملی و تمامیت ارضی افغانستان و وحدت ملی را ما در هیچ وقتی و در هیچ تاریخی به معامله نخواهیم نشست. ما شیعه، افغانستانی هستیم زندگی و مرگ ما در افغانستان تعیین می شود افغانستان خانه، مشترک تمامی ملت های

ساکن در افغانستان است. ما در امر حقوق طبیب، وزارت نس خواهیم؛ نه یک وزارت نه ده وزارت، بایه مطلب می خواهیم و آن اینکه ما افغانستانی هستیم افغانستان خانه، مشترک ماست ما در تعیین سرنوشت افغانستان بایه دخالت نداشته بایهیم (تکبیر حضار) مزاری بزرگ همین چیز را می خواست و در همین راه به شهادت رسید جرم او حق طبیبی

بود به او گفتند مزاری شرارت پشه و جنگ طلب است او جنگ طلب نبود او حق طلب بود فرق است بین جنگ طلب و حق طلب جنگ طلب آن طوری که برادر بزرگوار ما آقای عارفی گفت انحصار طالبان هستند فاشیستان هستند آنان می هستند که به حقوق اساسی سایر ملت ها و برادران خود در افغانستان احترام نمی گذارند. ما چه می خواهیم ما برادری می خواهیم ما برابری می خواهیم ما عدالت

برادری، به همه، ما و شما ارزانی کند

اجتماعی می خواهیم ما می گویم افغانستان خانه، مشترک ماست مشترک نصیب بگیریم، مشترک زندگی کنیم. این جرم بود؟ یا جرم است؟ که رهبر ما را کشتند. مزاری از میان همین دردها برخاسته بود ما این قلم را به کجا ببریم که چند میلیون انسان در داخل هزاره جات در قلب توننده، افغانستان امروز حتی یک برکتی اداری و سیاسی ندارد. مردم ما را شما ببینید چه گونه ظالمانه تجزیه کرده اند. قسمتی را به ولایت غرور، قسمتی را به ولایت اوروزگان قسمتی را به ولایت غزنی قسمتی را هم به ولایت میدان قسمتی را هم به ولایت پروان و قسمتی را هم به ولایت بامیان و قسمتی را به ولایت بلخ. ما این تجزیه ظالمانه و برخورد چارپاره را برای مردم خود نمی خواهیم. ما در کابینه در چندین جلسه



گفتیم که هر معیاری را قبول نماندیم برای مردم ما هم قابل قبول است ما اینجا می افغانستان خانه، مشترک ماست حق داریم که در خانه، مشترک خود در سرنوشت ملی و مملکتی خود نقش داشته بایهیم حق داریم از همان امتیازات که سایر برادران در افغانستان برخوردار استند مردم ما هم برخوردار

باشند. ما برای پنج میلیون یا هفت میلیون انسان محروم هزاره، خود در افغانستان مرکزیت می خواهیم؛ ما می خواهیم تبعیض، بی عدالتی و قلم در افغانستان بیاپان پیدا کند و این خواسته، غیر عادلانه

بود؟ جرم بود؟ یک بار دیگر بی عدالتی و محرومیت در افغانستان تجدید گردیده و بنا شد که اگر در افغانستان رهبری کشته شود، هیچکس کشته نشد جز رهبران این قوم محروم و مظلوم. مزاری باید کشته شود. تنها در یک جنگ بیست هزار مرگی تکیله «در جنگ سوم» از بالای کوه های مسلط و مشرف

گروه های جنگ طلب برخانه های محقر و گلین مردم ما فرو رختند. من از خاطر نمی برم یک روز پیش آقای استاد ریاسی بود آقای استاد ریاسی می گفت که این امر را باید قبول کنی والا اگر قبول نکنی جنگ دیگری به وقوع خواهد پیوست و آقای سیات از اسلحه دیگری استفاده مینماید که مردم شما را

قتل دسته جمعی خواهد کرد. ما را می ترساند، ما یک چیز آرزو در ارگ ریاست جمهوری گفتیم و یک بار دیگر هم آرزای اینجاست که ما گفتیم اگر چنین باشد که به صدای آزادی خواهی و عدالت خواهی مردم ما احترام نگذارند و اگر چنین باشد که 'اراده' جبارانه، خود را به زور اسلحه های قتل دستجمعی بر مردم ما تحمیل کند مردم ما مرجع میدهد که در زیر زمین زندگی کنند نه در روی زمین. (تکبیر حضار)

اما مردم ما چنین کردند شما یک بار در غرب کابل تشریف ببرید یک خانه را در دشت آزاده گان و قلعه شهادت نمی بایید که مردم زیر خانه های شاترا حفر نکرده باشند. زیر زمینی و سوراخ ساخته باشند. این سرنوشت مردم ما بود. چرا زیرخانه های خود را کنند و به زیر زمین پناه ببرند؟ برای ما مسأله مرگ و زندگی مطرح بود و هست، ما چه میخواستیم در افغانستان و چه می خواهیم ما را رهبر ما را به چه جرم کشتند و می کشتند ما مزدور کدام کشور بیگانه هستیم نه به منافع ملی خود خیانت می کنیم و از هر کس دیگری ما بیشتر به

استقلال و تمامیت ارضی کشور خود احترام قابل هستیم ما به جرم استقلال طلبی به جرم عدالت طلبی و آزادی و برادری و برابری ملت های ساکن در افغانستان باید قتل عام و کشته شویم. درود به مردم قهرمان سر بلند و غیور و آزاده، غرب کابل. ما آگاهی انقلابی که در این مردم در کابل دیدیم و احساسات که همین اکنون مشاهده می کنیم ما هیچ کار نکردیم و این جلسه را همین مردم با اینکه نان خوردن خود را نداشتند، با تقبل هزینه این جلسه یک بار دیگر اراده و

هر شباری کامل خود را به فاشی گذاشتند به همین دلیل است که ما می گویم مزاری نه مرده است مزاری تبدیل شده است به یک ملت. مزاری تنها هزاره نبود مزاری فرزند ملت افغانستان است و حافظ استقلال و حامی وحدت ملی در افغانستان. از نقش استاد مزاری هیچکس در ایجاد شورای عالی همنانگی انقلاب اسلامی افغانستان انکار کرده نمی تواند. مزاری بود که سنگ زیر بنای وحدت ملی را در چرخات شورای عالی همنانگی گذاشت و ما می گویم ما طرف

دار جنگ و خصومت با هیچ یک از ملت ها نیستیم نه دشمن پشتون هستیم نه دشمن تاجک هستیم نه دشمن ازبک هستیم ما دست برابری و برادری به سوی تمام ملت ها دراز کرده و دراز می کنیم ما وحدت ملی می خواهیم ما برادری می خواهیم ما برابری می خواهیم. در اخر بار

دیگر یک مطلب را اظهار میدارم؛ با تمامی پیوند هاییکه و با تمامی احترامی که به وحدت ملی داریم با خط و مشی که حزب وحدت اسلامی در امر پرورسه تأمین صلح و استقرار و امنیت در افغانستان پیش گرفته که جنگ را راه حل نمی داند تفاهم و مذاکره را راه حل اساسی بحران کشور اعلام کرده است. یک بار دیگر می گویم که اکثر حلقاتی در کشور باشند که بخوانند اولاده،

بیمارانه، خود را از طریق زور بر مردم ما تحمیل کنند بایه این مطلب را بدانند و بدهند تجربه رهبر و پیشوا و قائد ایشان را به شهادت رسانیده اند ولی بایه بدانند که مردم ما در این جنگ مادانه جز حلقه های تجزیر اسارت و بردگی در این کشور چیزی دیگری را از دست نخواهد داد ما در افغانستان به هیچ چیزی نویسه ایم که در جنگ آنرا از دست بدهیم کسانی منافع خود را از دست خواهند داد که حکومت و قدرت و ثروت افغانستان در دست آنها بوده و فعلاً هم است. بیشتر از این وقت گرانهای شما را نمی گیریم یک

بار دیگر به نمایندگی از دفتر، اعضا و منسبین حزب وحدت اسلامی در پشاور از عموم دوستان برادران، اعم از فرماندانی و نماینده گان احزاب و تنظیم ها و هیئت های دیپلماتیک که لطف کرده و در جلسه، ما تشریف آورده اند صمیمانه برادرانه و دوستانه و متراضعانه و خاضعانه از همه تشکر می کنم امید وارم که

خدای بزرگ توفیق راه رفتن در راه مزاری بزرگ؛ راه عدالت و آزادی و برابری و برادری، به همه، ما و شما ارزانی کند

پیام محترم استاد خلیلی، پیرنگل حزب وحدت اسلامی

به مناسبت شهادت پرچمدار سنگرهای عدالت، رهبر شهید عبدالملک زاری و فاجعه تراب کابل

بسم الله الرحمن الرحيم  
 من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فممنهم من قضی  
 نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا. (قرآن کریم)  
 از مؤمنان مردانی اند که تعهد خود، با خدای را، صادقانه، بسر  
 رسانده. و در پای این تعهد، جمعی از آنان، شریعت شهادت  
 نوشیدند و جمعی به انتظار نشسته اند.  
 هورطان شریف، بیدار و همیشه در صحنه، روحانیون عزیز،  
 اندیشمندان گرامی، تحصیل کرده ها، مهاجرین دور از وطن،  
 برادران و خواهران!  
 السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اولین سالگرد شهادت پیشوا و پرچمدار سنگر عدالت، استاد  
 شهید عبدالعلی مزاری و سقوط سنگرهای شرف و عزت مردم خود  
 را در غرب کابل، در اثر تهاجم ظالمانه شورای نظام و توطئه  
 جریان معامله و خیانت، غدر و عهد شکنی گروه طالبان، به  
 پیشگاه ولی عصر، امام زمان (عج) و شما مردم خوب و صمیمی،  
 تسلیت عرض می نمایم.  
 گذشت یکسال، در فقدان رهبر، بر مردم ما، سخت و دشوار بود  
 و مصیبت سقوط سنگرهای مقاومت درد کمر شکن. مزاری  
 پرچمدار یک ملت بود و پیشوای محرومان و شلاق خورده گان  
 تاریخ ستیبار کشور. او تنها یک ملت بود که در وجودش یک  
 جامعه بی همه چیز و محروم، تبلور یافته بود. او آینه ارزش  
 های انسانی و دینی و بیداری جامعه بود که از ناملایمات و  
 نابرابری ها، رنج می برد و در برابر تاریخ و وجدان بنابر جامعه و

مزاری در مردم دوب شده بود، حواستش، حواست مردم و  
 آرمانش، عزت و سریلندی مردم بود. او برای، شخص خودش، هیچ  
 منفعتی را، جستجو نمی کرد. با شهادت او، پیکر یک ملت و یک  
 جامعه، بخون آغشته شد. آرزوها و آمال آنان، زیر خاک رفت. که

او تابلوی آرزوهای مردمی بود، که رؤیای زنده گی شرافتمندانه و  
 آینده درخشان خود را در چهره مصمم او، مجسم و در گامهای  
 استوار او محقق می یافتند.

مزاری شهید، یک ملت را در مرگ خود فرو برد. اما به آرمان  
 عدالتخواهی و حق طلبی، میل گردید که همواره، جوامع محروم و  
 ملت های رنج دیده، فریاد کنند و به او بعنوان مجسمه صداقت،  
 تعهد ملی - مکتبی، ایثار و فداکاری، اقتدا نمایند.

مزاری در پی استقرار نظام شایسته، عادلانه و فراگیر به  
 شهادت رسید. نظامی که هر گونه تبعیض، اجحاف و حق کشی را  
 نفی نموده، بر ویرانه بنیاد انحصار طلبی و عظمت جویی های  
 فاشیستی و قبیله سالاری، برادری و برابری را بنیان گذارد. و با  
 مشارکت مساویانه از همه اقشار و ملت های ساکن کشور در  
 ساختار سیاسی، برای همیشه، ثبات سیاسی و رفاه ملی را تأمین  
 نماید. او همیشه از برادری ملت ها و سهم گیری عادلانه تنظیم  
 ها و جریانات سیاسی، متناسب با شعاع وجودی شان، در ساختار  
 سیاسی کشور، سخن می گفت و در برآوردن این مأمول، با ابتکار  
 شورای عالی هماهنگی، به خصوصت های ملیتی، پایان داد. اخوت  
 و برادری مردم افغانستان را، بر اساس عدالت اسلامی، پایه گذاری  
 می کرد.

مزاری شهید شد و با شهادتش، افق تازه ای، به روی مردم ما،  
 گشوده شد که در آن، راه درست رسیدن، به اعتلای ملی و تثبیت  
 هویت انسانی مردم ما نمودار و جهت گیری حرکت آینده مردم ما،  
 تا رسیدن به یک جامعه ایستاد اسلامی، مشخص گردید.

شهادت رهبر گرانقدر، صداقت در تعهدش را ثابت و به درستی  
 خط سرخ و خونبارش، مهر تأیید گذاشت و نیز مردم ما را، در  
 پیمودن این خط تارسیدن به سرمنزله مقصود، مصمم تر ساخت.

گرچه با شهادت رهبر، مردم ما، هم چیز خود را از دست  
 دادند. سنگر های عزت و غرور مردم، به تصرف مهاجمین شورای  
 نظام و اتحاد سیاف (دشمن دیرین آنان) قرار گرفت. صد ها تن از  
 بهترین و صادق ترین فرزندان این مردم، به شهادت رسید و چه  
 بسیار بی گناهان، به اسارت رفتند. جهانیان، تومار اقتدار  
 سیاسی و عظمت مردم ما را، در هم پیچیده، به این پندار، رسیده  
 بودند که تاریخ سیاسی این مردم، به نقطه پایانش رسیده و دیگر  
 حزبی بنام حزب وحدت و مردمی بنام هزاره و شیعه، در معادلات  
 سیاسی افغانستان، وجود نخواهد داشت، و پس ازین، حرکت  
 عدالتخواهی محرومین، خواب و خیال زور مداران انحصار طلب  
 را، آشفته نخواهد ساخت. ولی آنچه را که نمی دیدند و رهبر به  
 عنوان ارزشمندترین میراث، به یادگار گذاشته بود، خود آگاهی و  
 رشد سیاسی این مردم، واراده، خلل ناپذیر آنها در جهت بدست

گرفتن سرنوشت خویش بر اساس سنت لایتنر الهی، بود. خون رهبر  
 به این آگاهی، عمق بیشتری بخشیده، موج طوفانده ای را بوجود  
 آورد که باور ها و سرنوشت مردم ما را عوض کرد.

گرچه رهبر از میان ما رفت و رفتنش، سخت اندوهبار بود، لکن  
 روح بزرگ و با شهامت او برای همیشه، تاریخ، الهام بخش و راه  
 گشای مبارزات ملی، جهت رسیدن به حقوق سیاسی ملت های  
 محروم خواهد بود. او برای همیشه، رهبر و پیشوای مردم ما است.

بدوش کشیدن پیکر خونین پرچمدار سنگر عدالت، در بدترین  
 شرایط اقلیمی به طول پنجصد کیلومتر از میان کوه ها و دره ها،  
 در عین حالیکه، عمیق ترین احساسات مردم ما را نسبت به رهبر  
 خود، به نمایش می گذارد، گواه صادق بر بیداری و بلوغ سیاسی  
 مردم ما نیز می باشد. چه اینکه رهبر و چهره واقعی دوست و  
 دشمن، خادم و خاین را، از هم تفکیک و جریان معامله و خیانت را،  
 رسوا نمود. نقشه ها و توطئه های دشمن که به منظور چند پارچه  
 کردن رهبری جامعه ما، ریخته شده بود، باخردمندی او، عقیم  
 گردید.

دشمن نتوانست، اقتدار و عزت مردم ما را، در پایتخت کشور،  
 تحمل نماید، لهذا با همدستی جریان خیانت و معامله، بر سنگر های  
 غرور و حیثیت مردم ما در کابل، تهاجم وسیعی را آغاز کردند. در  
 اثر این هجوم بی شرمانه و غدر و تعهد شکنی گروه طالبان، سنگر  
 ها فرو ریخت و پرچمدار، بخون کشیده شد.

به این مقدار هم بسنده نکردند. وقتی دیدند مردم ما، در  
 دوستانی و همنام های رهبر شهید شان، دوباره خود را برای تداوم  
 جنگ نمایند.

آخرین خانه مردم ما، سازش  
 همانگونه که بارها اعلام کرده بودیم؛ طرفدار جنگ نبودیم و  
 همواره جنگ، غرض نابودی و حذف مردم ما، بر ما تحمیل می  
 گردید. این بار هم طرفدار جنگ نبودیم. ما داشتیم موجودیت خود

را سازمان می دادیم و در موقعیتی نبودیم که آغاز گر جنگ باشیم.  
 هنوز از پیکر ما، خون جاری بود. پیکر مظهر رهبر شهید ما،  
 بردوش! امکانات همه در چنگ دشمن. در این شرایط، بیش از  
 همه، جریان خیانت و معامله، در راه اندازی و پیشبرد جنگ، اصرار  
 و پافشاری می نمود. دشمن را به خانه ما آورد. همان قاتلاتی را  
 که خون افشاریان از بارچه های تفنگ شان می چکید. لیکن با همه  
 نفرتی که از جنگ داشتیم، خود را در برابر سرنوشت حال و آینده  
 مردم خود، مسؤول احساس می کردیم. لهذا مجبور بودیم از ناموس  
 و خانه مردم خود دفاع کنیم.

مانتلاش وافر بخرچ دادیم که هزاره جات از جنگ و پیامد های  
 ناگوار آن، در امان بمانند. ولی دشمن نیت دیگری در سر داشت.  
 دشمن می خواست آخرین قطره های مقاومت و دورترین سنگر  
 مقاومت عدالتخواهانه، ما را به نفع انحصار قبیله ای خود، نابود  
 بسازد. ما نمیتوانستیم در برابر اجرای این نیت شوم، بی تفاوت  
 باشیم. به مصلحت ملی و مذهبی ما نبوده که دشمنان عزت و عظمت  
 مردم ما، آخرین سنگر های مقاومت حق طلبانه ما را، در هم  
 بکوبد. لذا به دفاع پرداختیم. مردم آگاه و خوب ما، نیز در جهت  
 پاسداری، از اقتدار و حیثیت خود، سیل آسا، بسوی سنگر ها  
 شتافتند. سر انجام پس از چند ماه، مردم ما، موفق شدند که با  
 اراده پولادین و مقاومت وصف ناپذیر خود، ماشین جنگی اردوی  
 فاشیستی را شکسته خانه خود را از لوٹ وجود آنان پاکسازی  
 نمایند.

اینک حزب وحدت اسلامی، با داشتن اردوی قوی، منظم و مجهز  
 با انواع تسلیحات برپایه وسیعترین پشتوانه مردمی به وسعت کل  
 هزاره جات و دیگر اقوام و ملت های محروم، در صحنه نظامی  
 سیاسی کشور، حضور پر قدرت خویش را، تثبیت نموده و در راه  
 سرخ رهبر شهید، استوار و با شهامت، به پیش می رود. حزب  
 وحدت اسلامی، تمهید دارد که خط سرخ رهبر شهیدش را، تا تحقق  
 آرمانهای ولای او و دیگر شهیدان راه عدالت و آزادی، طوفانده و  
 سازش ناپذیر، ادامه دهد.

حزب وحدت اسلامی، جز به ایجاد ساختار عادلانه و فراگیر  
 قدرت سیاسی که همه انبای وطن در سایه آن احساس آسودگی و  
 سریلندی نماید، نمی اندیشد و در این راه حاضر هر نوع فداکاری  
 می باشد.

حزب وحدت اسلامی، متعهد است که به تلاشهای در جهت  
 ایجاد تفاهم ملی، دوستی و برادری ملت ها بر اساس وحدت نوعی  
 و دینی ادامه دهد و شورای عالی هماهنگی را در این راه، بهترین و  
 درخشانترین مظهر اخوت اسلامی ملت ها، می داند.

اینک در آستانه اولین سالگرد رهبر شهید، مزاری بزرگ، قرار  
 داریم، بعنوان یکی از فرزندان شما، تأکید می ورزم که برای  
 همیشه، متعهد به آرمان و خط سرخ آن عزیز از دست رفته باقی  
 خواهم ماند و در این جهت موارد ذیل را قابل یادآوری می دانم:  
 ۱- استیفای حقوق سیاسی، اجتماعی مردم ما که همواره، از  
 آرمانهای رهبر شهید ما بوده، حرکت سیاسی حزب وحدت اسلامی  
 را، جهت می هد.

۲- هزاره جات خانه مردم ما است، از آرزوهای همیشگی  
 ما بوده است که مردم ما در فضای آرام و دور از نا امنی و جنگ  
 زنده گی نمایند. وقتی جریان خیانت و معامله بحیث پیشقراول  
 اردوی بیگانه و با امکانات و نفرت شورای نظام و اتحاد سیاف،  
 جنگ را بر ما تحمیل کردند، ضمن اینکه خود را مکلف بدفاع از  
 مردم خود در برابر تجاوز دشمنان، می دانستیم، در جهت قطع  
 جنگ و بازگشت امنیت، دست هر هیئت صلحی را چه از داخل و چه  
 از خارج به گرمی فشردیم و از هر طرح صلحی، صمیمانه  
 استقبال نمودیم در همین راستا، برای ادای رسالت انسانی و تاریخی  
 خود، با امضای قطع جنگ فی مابین حزب وحدت اسلامی و جریان  
 خیانت و معامله و نیز مذاکرات با اداره رباتی مبنی بر پایان یافتن  
 در گیریها و رهایی اسرا، صداقت خود را در برابر مردم خود و تمام  
 ملت های ساکن کشور، به اثبات رساندیم، یقینا تا وقتی دیگران،  
 صادقانه برخورد نمایند و به تعهدات خود پایبند باشند، ما نیز به  
 آن متعهد باقی خواهیم ماند. و معتقدیم که این به مصلحت مردم  
 ما، در هزاره جات است. اگر دیگران سر عقل آیند و سریلندی مردم  
 ما را تحمل نمایند و با پرهیز از اندیشه انحصار و حذف، صادقانه  
 بدنبال حل معضلات کنونی باشند، این مسئله، قدم نخستین به  
 حساب می آید.

۳- با آگاهی کامل از توطئه ها و دسیسه های ضد منافع ملی و  
 مردم خود، سازش و همسویی با جریان معامله و خیانت که با قرار  
 گرفتن در کنار حاکمیت انحصاری و فاشیستی بزرگترین ستم را در  
 حق محرومین این جامعه، مرتکب شده اند و زمینه ساز انواع  
 تعرضات و تجاوزات بحریم مردم ما، بوده اند و مردم ما آنها را  
 برای ابد به طرد و نفی کرده اند، خیانت بر پیکر مردم و انحراف از  
 خط سرخ رهبر شهید، می دانیم.

زور و توسل به خشونت، نبوده ایم و پیامد آن را جز تباهی و  
 برآوردی کشور، نمی دانیم. بنا بر این به مذاکره و تفاهم، بعنوان یک  
 اساس محکم در حل معضلات پیچیده کشور، نگاه کرده، روی آن  
 تأکید می ورزیم و نیز معتقدیم تا همه نیروها، جریانات سیاسی،

اقوام و ملت های ما، به نسبت شعاع وجودی خود، در ساختار سیاسی  
 کشور، جهت ایجاد یک حکومت فراگیر، گرد هم نیامده و بحقوق  
 سیاسی - اجتماعی همه، احترام گذاشته نشود، مسئله کشور حل  
 نخواهد شد. البته اگر کسانی در فکر حذف و نابودی مردم ما  
 باشند، وجیهه خود می دانیم که تا آخرین قطره خون از مردم خود  
 دفاع نماییم.

۵- شورای عالی هماهنگی، بزرگترین میراث رهبر شهید و مظهر  
 عینی اخوت اسلامی ملت های ساکن در افغانستان است که به  
 خصوصت دیرین ملیتها، پایان داد و به سیاست همیشگی قدرتهای  
 استعماری و استبداد داخلی مبنی بر اینکه اختلاف بیندازد و  
 حکومت نماید، خط بطلان کشید. ما به پیوند و دوستی با ملت  
 های مظلوم، بخصوص دوستی با جنبش ملی اسلامی، بعنوان تنها  
 نماینده ملت از یک پایدار مانده همکاریهای صمیمانه، آن را در راه  
 مبارزات حق طلبانه و عدالت خواهانه مردم خود، بعنوان ارزشمند  
 ترین خاطرات صلح و دوستی، برای نسل های آینده مردم خود،  
 به یادگار می گذاریم و نیز معتقدیم که این دوستی، در تحقق  
 عدالت اجتماعی در کشور نقش تعیین کننده خواهد داشت.

۶- استقلال سیاسی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور،  
 چوکات اصلی مبارزات عدالتخواهانه، ما را تشکیل می دهد و  
 معتقدیم که روابط با کشور های جهان بر اساس احترام متقابل،  
 باید تنظیم شود. برده گی سیاسی و وابستگی به منافع قدرتهای  
 خارجی را به شدت تقبیح و محکوم می نمایم. توهین و اهانت مردم  
 خود از سوی هیچ کشوری، نمیتوانیم بپذیریم. اسلام مکتب حیات  
 بخش و انسان ساز سیاست داخلی و خارجی ما را، جهت می  
 بخشد. و بر اساس آن از هر گونه حرکت های عدالتخواهانه در  
 سایر مناطق، حمایت می کنیم.

۷- شهادت رهبر خبیر، استاد مزاری، بزرگترین ضایعه ملی  
 بوده، آترا به عنوان خیانت ملی و عمل ضد اسلامی، از سوی گروه  
 طالبان، دانسته، تأکید می نمایم که هرچه زودتر عاملین آن به  
 محکمه عدل اسلامی سپرده شود تا به جزای اعمال خود برسند.

در اخیر، ضمن اینکه بار دیگر سالروز شهادت رهبر و قافله  
 سالار مردم خود را به یکایک مردم افغانستان و ملت شهید داده،  
 تسلیت عرض می نمایم، با خون رهبر، تمهید مجدد می بندم و در  
 جهت پیمودن راه او، تمام مردم بیدار خود را به هوشیاری و آگاهی،  
 دعوت می نمایم.

والسلام  
 محمدکریم خلیلی  
 ۱۳۷۴/۱۲/۱۷-هامیان

# رهبر شهید در اندیشه، شخصیت های جهادی کشور

چندی قبل خبرنگار «صفحه نو» مصاحبه را با اعضای شورای عالی هماهنگی راجع به موضع و ابعاد شخصیت رهبر شهید انجام دادند که اینک بخشی از آن مصاحبه را با هم به خوانش می گیریم.

س: شما نقش استاد شهید مزاری را در وحدت ملی چگونه ارزیابی میکنید؟

محترم ارغندیوال نماینده حزب اسلامی افغانستان: استاد شهید مزاری یکی از شخصیت های بزرگ و برازنده افغان بوده و هیچ شکی وجود ندارد که استاد مزاری همه عمر خود را بخاطر اسلام و بخاطر افغانستان و بخاطر ملت وقف کرده و تا آخرین لحظات حیات هم دست از مبارزه بخاطر رهایی مردم و ملت افغانستان نکشیده و بخاطر همین آرمان بزرگ و سترگ خویش جهان فانی را وداع گفت و به شهادت رسید.

استاد مزاری بخاطر اینکه افغانستان منبخت افغانستان واحد و یکپارچه باقی ماند به هرگونه قربانی حاضر بود و طرح شورای هماهنگی را دقیقاً به همین منظور ریخته و در راه تشکیل آن زحمات بسیاری را متقبل شده اند که خداوند اجر بزرگ را نصیب ایشان سازد و روح ایشان را شاد و خوشنود داشته باشد.

مولوی ترکستانی نماینده جنبش ملی اسلامی افغانستان: وقتی استاد مزاری شهید در غرب کابل بود قبل از اینکه آن ساحه سقوط نماید؛ من با جنرال دوستم در قلعه جنگی بودیم، جنرال صاحب دوستم خواهش کردند که «استاد» موقعیت نظامی و سیاسی کارته سه برای شما مساعد نیست. اگر میتوانید خود را از آن ساحه بیرون بکشید بهتر است.

استاد مزاری شهید گفتند: «جنرال دوستم! در فکر موقعیت ها نباشید، اگر من خود را تنها بکشم، مردمی که در اینجا قرار دارند به کی پناه بیاورند و کجا بروند؟ اگر خون من در میان مردم ریخته شود این بزرگترین افتخار برای من است.»

من فکر میکنم که در تاریخ افغانستان و بخصوص در این اواخر چنین رهبر ملی، مستقل، قاطع، کم نظیر است.

خبرنگار «صفحه نو»: این یک واقعیت است که استاد مزاری به مردمش علاقه زیاد داشت و تا آخرین نفس هم از مردمش سرخشانه دفاع نمود، هستند کسانی که این عمل را نوع نژادگرایی

## شهید استاد عبدالعلی مزاری په خبره ولار امین او د تبعیضی چلند سخت مخالف وو

د افغانستان د حزب وحدت د گوند پخوانی او شهید رهبر استاد عبدالعلی مزاری یو مبارز با ثبات او سوله غوښتونکی ملی شخصیت وو چی د حزب وحدت صفوف ئی متحد او دیو موتی په شان ساتلی وو او په سیاسی دگر کی ئی نړیوال نوم او شهرت گتلی وو.

دغه مطلب د حزب اسلامی حکمتیار ویا د ارشاد او فرهنگي چارو رئیس استاد قریب الرحمن سعید د صفحه نو د خبريال سره د شهید د لومړی کالیزی د لمانځلو په لړکی هرگند کر او وی ویل: شهید مزاری ته یواخی په لوڅ او خبره ولار امین او صادق شخصیت وو د نژادی او تبعیضی چلند سره سخت مخالف هم وو له همدی امله وریانندی جنګونه تحمیل شوی وو. شهید مزاری لومړنی شخصیت وو چی د حزب وحدت دیووالی تر هنگ ئی د انجینیر گلبدین حکمتیار او جنرال رشید دوستم تر مینځ د ملاقات زمینه برابره کړه حکه نو د هماهنگی د عالی شورا مؤسس همدغه شهید گتلی شی.

استاد سعید ویل: شهید مزاری چی ما دنیژدی نه ورسره حو حلی ملاقاتونه کړی دی د سولی او ثبات او په هیواد کی د افغان شموله مرکزی حکومت د جوړیدو دپاره خپل ټول امکانات په کار اچولی وو او همیشه ئی د جنګ او او نظامی مقابلی په عوض د مفاهمی خبره خپل شعار گرځولی وو.

ده زیاته موده دکابل دسار په مرکزی برخو کی د تپیل شوی جګړی په اور کی تیره کر او همدلته ئی واده هم وکر خو د خپل گوند د جنګی مورال دلورولو په خاطر دکابل نه بلی خواته لار نشو.

استاد قریب الرحمن سعید زیاته کړه: په دا دومره اوږده جنګ کی

تفسیر مینمایند. شما بصورت مشخص لطف کنید که نظرات استاد نسبت به ملیت های دیگر و چگونگی تأمین وحدت ملی در افغانستان چگونه بود.

مولوی ترکستانی: درست است تشکیل شورای هماهنگی جزء اهداف سیاسی استاد شهید بوده و تشکیل شورای هماهنگی در نفس خود ثابت مینماید که ملیت های با هم برادر در افغانستان مانند سابق به ظالم و مظلوم، حاکم و محکوم تقسیم نگردند. همه برادر وار در پهلوی همدیگر زندگی نمایند و برادر وار وقتی بوده میتواند که حقوق مساویانه مطابق قانون اسلامی برای همه ملیت ها و همه کسانی که در سقوط رژیم کمونیستی و یا سقوط نظام

**جنرال دوستم! در فکر موقعیت ها نباشید، اگر من خود را تنها بکشم، مردمی که در اینجا قرار دارند به کی پناه بیاورند و کجا بروند؟ اگر خون من در میان مردم ریخته شود این بزرگترین افتخار برای من است.**

روسی در افغانستان و شکست روس ها در افغانستان سهم فعال داشته اند، در تشکیل حکومت و تشکیل سیستم سیاسی آینده کشور سهم داشته باشند.

خبرنگار «صفحه نو»: استاد مزاری هنگامی که در کابل بودند در جنگ های دفاعی زیادی اشتراک و نقش داشتند، عده ای با استفاده از این موضع استاد میخواهند چهره استاد مزاری را تحریف نموده و او را به عنوان جنگ طلب معرفی نمایند شما موضع استاد مزاری را در جنگ های گذشته کابل چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا استاد شهید در این جنگ ها واقعاً جنگ طلب بوده و یا موضع دفاعی که یک موضع برحق است داشته است؟

ارغندیوال: «همانطوریکه همه میدانند، استاد مزاری شهید، همیشه در همه صحبت های خویش جنگ را مردود دانسته و راه حل مشکل افغانستان را تفاهم، و راه حل سیاسی تلقی میکردند و همیشه هم

چی دشواری نظار د حواکونو سره لاس په گریوان وو یو ساتنی هم د خپل ستراتیژیک موقعیت نه بی حایه تکی شو او نه ئی یوه لویست های ورته ونیوه چی دا خپله د استاد دساتلی رهبری او د قوتونو دواحدی قوماندی او سه نظم او انسجام نتیجه وه.

ده زیاته کړه: د استاد مزاری یو مهم خصوصیت داوه چی د بهرنیانو سره ئی هیچ رابطه نه درلوده او نه ئی د جینو په شان حان خرج کړی وو همیشه په خپل حان شکی وو او د مسئلو حل ئی په افغانی تفاهم سره غوښته او د ملی وحدت د تأمین د پاره ئی هری قربانی ته اوږه ورکړی وه.

ده ویل: د شهید مزاری په حق کی طالبانو د زیات ظلم نه کار واخیست او په سیاسی اعتبار کی ئی د افغانی روایتو په تریسو لاندی کولو سره دغه فاجعه ایښودله خو کومه حایه چی په استاد پوری اړه درلوده د نړیوتوکولو بهیسم سم ئی خپل سنگرونه سره په اعتبار کی د سیاسی اعتماد قربانی شو.

حکه نو د مقابل لوری دغه بی رحمانه عمل غندل شوی دی او تر اوسه پوری داغندنه روانه ده.

ده زیاته کړه: شهید مزاری په عمل کی د پستون، تاجک، هزاره او نورو گنو ملیتونو تر مینځ د حساسیت او تبعیض د سلسلی ختمول غوښتل او دانی خپل نصب العین تاکلی وو.

ده به همیشه ویل چی به افغانستان کی د ټولو ملیتونو وګړی افغانان او دیو نغری غری دی چی باید د ملی قیادت په ټاکلو او نورو سرنوشت جوړونکو چارو کی ورته د هغوی د نفوسو په تناسب برخه ورکړی شی.

استاد سعید زیاته کړه اوس چی هغه شهید زمونږ په مینځ کی نشته دی او د حزب وحدت د رهبری چاری د استاد کریم خلیلی له خوا په مخ بیول کیری باور لرم چی د شهید مزاری د ارمانونو په ترسره کولو کی به استاد خلیلی د پخوا په شان خپلی برحقی مبارزی ته په دوام ورکولو سره د حزب د سیاسی منشور مطابق د سولی او ملی وحدت په لاره کی خپل اسلامی او افغانی رسالت په سه توګه سرته ورسوی .

پانشاری روی همین امر می نمودند. ولی طوریکه همه میدانند وضع افغانستان در آن زمان به نحوی بوده است که ما مورد حملات متواتر نیروهای اداره انتلاهی کابل قرار داشتیم و مجبور بودیم از موضع خود دفاع کنیم. جنگ های که در آن مناطق اتفاق افتاده اکثراً جنگ های دفاعی بوده است. همانطوریکه استاد شهید جنگ را دفاعی می دانستند حزب اسلامی افغانستان نیز جنگ را دفاعی دانستند. اگر جنگ دفاعی نمیبود شما مشاهده کنید در ساحتی که مربوط به شورای هماهنگی در کابل بود اگر شما از نزدیک ببینید درمی یابید که اکثراً مناطق ویران شده مناطق ما بوده که در آن قوت های شورای هماهنگی اعم از حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی و نیروهای جنبش ملی اسلامی قرار داشته است. بر خلاف ساحتی که نیروهای دولت در آنجا قرار داشته اند اکثراً ساحتی هست که سالم باقی مانده است. خود این مسأله مبین این واقعیت است که بالای ما هم بمباردمان صورت گرفته هم راکت باران گردیده و هم مناطق ما کاملاً ویران شده است. به این اساس ما مواضع خود را مواضع دفاعی میدانیم زیرا اگر موضع تعرضی میداشتیم باید ساحت جانب مقابل را تخریب میکردیم. بلکه قسمی که محسوس است ساحت تحت کنترل ما، کاملاً تخریب گردیده و ساحت تحت کنترل دولت بحالت خودش باقیمانده است و این مطلب در ذات خود بیانگر موضع دفاعی استاد مزاری شهید است نه موضع جنگ طلبانه.

مزاری شهید است نه موضع جنگ طلبانه. خبر نگار «صفحه نو»: اگر درباره ویژه گی های شخصیتی استاد شهید سوالاتی را مطرح نماییم؛ برادران چه ویژه گی های برجسته را در شخصیت استاد مزاری می بینند؟

محترم الحاج سلیمان یاری:

«مقوله ایست که الفضل به ما شهید الاعدا - فضل آنست که دشمنان بر آن گواهی دهند.

ما بار ها بصورت مکرر از زبانی کسانی که با استاد شهید در جنگ بودند و قصد کشتن رهبر شهید را داشتند شنیده ایم که آنها گفته اند مزاری مردیست با ایمان، صادق و مرد بسیار متینی است. یکی از ویژه گی های استاد شهید صداقت اوست او صادق الوعد و صادق الکلام بود و راسخ و دلسوز به اسلام و دلسوز به افغانستان بود. در حرف های خویش راسخ و صادق و به تعهدات خویش وفا دار بود منجمله من از معاهده و یا پروتوکول جیل السراج یاد

مینمایم که آن توافقنامه بین آقای مسعود و جنرال دوستم و استاد شهید صورت پذیرفت. جناب استاد شهید تا آخرین لحظه به همان تعهدات و توافقات پایبند بود و مسعود عهد خویش را شکست و این توافق را نقض کرد.

وقتی که من با جناب حضرت صاحب مثل دولت اسلامی افغانستان وارد کابل گردیدیم نیروهای حزب وحدت اسلامی در ساحت پل محمود خان، شش درک، منطقه وزیر اکبر خان، دروازه صدارت، وزارت داخله، پارک شهر نو و گردنه باغ بالا قرار داشتند اما به اساس همان فیصله قبلی با مسعود، مسعود به استاد شهید پیشنهاد کرد که شما نیروهای خویش را از این مناطق بیرون بکشید، ما ساحه کابل را ساحه امنیتی اعلان می نمایم. شما نیروهای خویش را در مناطق خویش ببرید. استاد شهید همه نیروهای خویش را از مناطق یاد شده، بیرون کشید، و در مناطق خویش جایجا نمود. جنگ های بعدی که صورت پذیرفت طوریکه ارغندیوال صاحب اشاره نمودند این جنگ ها از طرف ما کاملاً مواضع دفاعی داشته و قسمیکه همه شاهد اند استاد مزاری یک قدم همه بطرف ساحت دیگر تعرض نکرده و فقط از مناطق خود دفاع کرده است. در منطقه استاد مزاری بمباردمان هوایی صورت گرفته، راکت باران گردیده، خانه مسکونی اکثراً تخریب شده است و هزاران طفل و زن و پیر مرد به شهادت رسیده اند در بعضی حالات مانند افشار، مال و دارایی مردم نیز به غارت برده شد. ویژه گی دیگر استاد مزاری دلسوزی او به افغانستان است و همین دلسوزی به افغانستان را میتوان به عنوان یکی از عوامل زیدخل در شهید ساختن استاد مزاری نام برد که یک تعداد کشور های خارجی تحمل این دلسوزی استاد به افغانستان را نداشته و در طرح نابود ساختن استاد نقش خویش را ایفا نمودند. تأمین وحدت ملی و تمامیت ارضی از خواسته های جدی استاد بود که دوستان در آن مورد روشنی انداختند .

## خلیل از مانگرد شهادت رهبر شهید...

ناطق قوماندان کندک سرچشمه، سیدهای قوماندان فرقه ۹۶ میدان، حاجی خلیل نماینده دکتر صادق مدیر و همچنان آقای استاد فهیمی مدرس مدرسه آنجا به تفصیل پیرامون شخصیت رهبر شهید سخنرانی نمودند.

قابل ذکر است در پایان این مراسم نذر و خیرات توسط مردم دلباخته و فداکار آن منطقه برای هزاران نفر نیز تدارک دیده شده بود.

# هزار شریف در تجدید میثاق با رهبر

## مسجد امام حسین در میدان امام حسین، با شکوه ترین تبلیل از مقام

### سیدالشهدای افغانستان «مزاری بزرگ» را به تماشای نشست

• ده ها هزار هموطن مهاجر در میدان امام حسین در تهران با حضور بهم رسانیده و یاد خون رهبر شان در این میدان گرد هم آمدند.

\* پیام کمیسیون زنان حزب وحدت اسلامی افغانستان بدین مناسبت در محفل قرائت گردید.

قرار گزارش های رسیده از تهران مرکز جمهوری اسلامی ایران، عصر روز جمعه ۲۵ حوت ده ها هزار از هموطنان مهاجر ما در تهران و در میدان امام حسین (ع) حضور بهم رسانیده و یاد و خاطره آن بزرگ مرد تاریخ ملت ما مزاری کبیر را گرمی داشتند. گزارش حاکیست؛ این محفل از طرف ستاد برگزاری مراسم سالگرد رهبر شهید که متشکل از انجمن طلاب حزب وحدت اسلامی انجمن فرهنگی شهید مزاری و مهاجرین افغانستان مقیم تهران بود، برگزار گردیده و طی آن ضمن تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و اجرای سرود های عزای داری، پیام استاد خلیلی نیز بدین مناسبت قرائت گردید. سپس بیانیته کمیسیون زنان حزب وحدت اسلامی توسط یکتن از خواهران با احساس ما در مجلس خوانده شده و به تعقیب آن محترم پهلوان «حر» یکی از فرماندندان برجسته حزب وحدت اسلامی افغانستان که به تازه گی از جبهات نبرد حق علیه باطل به تهران آمده است، حاضرین مجلس را در جریان حوادث گذشته در بامیان و کشور قرار داده و به ایراد سخن پیرامون شخصیت والای رهبر شهید پرداخت. مراسم در میان شور و هیجان حاضرین با فریاد های مزاری، مزاری راهت ادامه دارد. مرگ بر خایتین ملی، مرگ بر فاشیستان انحصار طلب و حامیان آنها، مزاری زنده است، رهبر! با خون تو تعهد میکنیم که راهت را بی رهرو نگذاریم و... تا غروب ادامه یافت.

شهید را بعنوان يك ضایعه ملی به حاضرین تسلیت گفتند. سخنان بعدی محفل استاد عزیزالله شفق عضو محترم شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی بود که ضمن تشریح کارنامه های جهادی و افتخار آفرین استاد شهید، حاضرین محفل را با اندیشه های والای استاد شهید در جهت تأمین عدالت اجتماعی و وحدت ملی در کشور آشنا ساختند. در اخیر مراسم دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن تجلیل و تشکر از شور و شوق انقلابی مردم بخاطر پیمودن راه سرخ رهبر شهید، حاضرین را در جریان آخرین تحولات سیاسی و نظامی کشور قرار دادند، سخنرانی ها در هر قسمت با تبارز احساسات و فریاد های الله اکبر مردم دنبال میگردد. خبرنگار ما علاوه مینماید که تدویر محفل با چنین عظمت را تاریخ شهر باستانی مزارشرف کمتر به خاطره دارد.

ده ها هزار از عاشقان پاک پخته و رهروان نستوه راه سرخ پدر و رهبر، سرگناه ۲۲ حوت در جوار مرقد آن شهید راه عدالت و آزادی، در شهر مزارشرف گرد هم آمدند و ضمن اجرای مراسم سرگوازی، عظمت استاد بزرگ مزاری کبیر را با یاد خاطره های افتخار زا و غرور آفرین بابای قوم به تجلیل نشستند. خبرنگار اعزامی «صفحه نو» از شهر مزارشرف گزارش میدهد که قبل از شروع مراسم وضعیت جوی منطقه قسمی بود که هر آن امکان آمدن باران متصور بود که این خود بر نگرانی «کمیته» بزرگداشت از اولین سالگرد رهبر شهید می افزود زیرا محل برگزاری در کنار مرقد آن شهید بزرگوار انتخاب گردیده و سایبان یا چتری محافظتی از باران در آن منطقه وسیع وجود نداشت، اما دو ساعت مانده به شروع جلسه ابرهای تیره از هم شکافت و افتاب زرین، مرقد پدر و رهبر مانرا غرق در گلبرگهای بوسه نمود. مراسم با تلاوتی از کلام الله مجید آغاز یافت، استاد محقق عضو شورای مرکزی و مسوول سیاسی صفحات شمال کشور، پشت تربیون رفت و به عنوان میزبان محفل ضمن تشکر از تشریف آوری دبیر کل حزب استاد خلیلی، اعضای محترم شورای مرکزی و عالی نظارت، اعضای کوردیپلوماتیک و قونسلگری های کشور های خارجی مقیم شهر مزارشرف، استادان پوهنتون بلخ، و سایر مهمانان و مردم قهرمان و غیور- مزارشرف، شهادت المناک رهبر

### انگیزه شهادت

اگر حمایت استاد شهید از مسعود نمی بود هرگز شورای نظار قادر به تصرف کابل نمی گشت ولی شورای نظار در قبال این کار بزرگ رهبر شهید بعضی به قدرت رسیدن به تمام قراردادها پشت پنازه و عملاً وارد جنگ با حزب وحدت اسلامی گردید و در آخرین روز های سخت کابل که حزب وحدت از هر طرف تحت محاصره بود شدیدترین ضربات نظامی خود را در قالب جنگهای ۳ روزه به حزب وحدت وارد ساخت.

۴- حرکت های بی جای بعضی از دول همسایه:

در روز های حساس و سرنوشت ساز کابل که سنگر های مدافعین حزب وحدت از همه سو در معرض محاصره کامل قرار گرفته بود حلقه های آن روز بروز برای نابودی همه جانبه هزاره غرب کابل و حزب وحدت تنگتر می گشت و از سه طرف حملات شدیدی علیه حزب وحدت ادامه داشت رادیو ایران با اعلان اینکه ما در قبال کشتار شیعیان غرب کابل بی تفاوت نمی باشیم دشمنان قسم خورده ملت ما را که همیشه (هزاره) به تلقی کورشان برده. ایران می دانند حساس نموده و بخاطر اینکه به ایران نشان بدهند که هیچ کاری نمی تواند، در ضدیت با ایران و به اتهام همکاری با ایران استاد مزاری را که تنها رهبر محبوب، ملی و مستقل ترین فرد از رهبران افغانستان بود مظلومانه به شهادت رساندند.

### ۵۱ بییمائی کمیسیون زنان

که مجلسی بخاطر بزرگداشت از مقام رهبر شهید در مسجد امام رضا (ع) دایر نمایند. آنها این فیصله خویش را طی اعلامیه کتبی منتشر ساختند. قرار بود مطابق اعلامیه، این محفل بروز جمعه ۲۵ حوت در محل تعیین شده دایر شود. اما مقامات دولتی جمهوری اسلامی در قم از تدویر این محفل نیز جلوگیری بعمل آورده و بصورت غیر مستقیم واکنش انتقام جویانه خویش را از برخورد مهاجرین نسبت به سیدفاضل و عالمی دوتن از رهبران شبکه خاین به منافع مردم افغانستان نشان دادند. خواهران با احساس و حاضر در صحنه مان در اعتراض به این عمل ضد قوانین بشری حکام ایرانی دست به تظاهرات وسیعی زده و به صوب اقامتگاه فامیل رهبر شهید راه پیمایی نمودند. گزارش علاوه میکند که خواهران با فریاد های مزاری کبیر زنده است او در قلب مردم جاودانه حاکمیت خواهد داشت، راه سرخ مزاری همیشه پر رهرو خواهد بود، مرگ بر خایتین و استعمار گران، اوج احساسات پاک شان را نسبت به رهبر شان و ادامه راه او و همچنان نفرت شان را از این عمل زمامداران فعلی ایران به نمایش گذاشتند.

شیرلان و سنگر نشینان و فرهنگیان شمال حزب وحدت اسلامی افغانستان بشما تسلیت میگوریم و یکبار دیگر به پیشگاه ملت بزرگ افغانستان و شما ملت مجاهد و همیشه بیدار، تجدید میثاق نموده و پیمان خون می بندیم که راه رهبر شهید را که راه عزت و عظمت ملیتهای محروم کشور و راه اسلام عزیز است با قدرت و صلابت خواهیم پیمود و با الهام از خطوط اساسی مشی رهبر شهید اعلام میداریم که:

اسلام عزیز مکتب و دین ما، تشیع انقلابی مذهب و آرمان مقدس ما، هزاره بودن مشخص کننده هویت ملی ما است. حمایت از حقوق ملیتهای محروم کشور و طرح اشتراک تمامی ملیتها در ساختار نظام اسلامی تعیین کننده مشی سیاسی و حقوقی ما است. و برای این آرمانها تا آخرین نفس و آخرین نفر ایستاده گی خواهیم کرد. بگذار دشمنان ما و مردم، حکام جنایت پیشه، شهر کابل، مسعود-ربانی و سیاف و همدستان خائن و مطرود و حامیان خارجی آنان هرچه بگویند و بنویسند و هرچه تفسیر و توجیه کنند، بگذار کلاغان سیاه روی وسایهدل عصر ما مارا بکشند و با های وهوی جنجال ویا با سکوت معنی دار به خاموش ماندن فریاد ما تلاش کنند که ملت ما بیدار است و با ریختن هر قطره خونی از ملت ما دوسیه جنایت دشمن قظورتر و روی شان سیاه تر میشود. دشمن جاهل و متعصب خیال میکرد که با کشتن رهبر ما قضیه ما را ختم کرده است، ولی دیدیم که صفحه جدیدی از مبارزات ما آغاز شد و بلکه رسوائی نصیب خود آنان گردید و دنیا بر مظلومیت ما گواهی داد. و اِنْ رَبِّكَ لَبَالْمُرْسَدَاتِ. وراستی که خداوند در کمین ستمکاران است.

والسلام علیکم وعلی جمیع عبدالله الصالحین.  
حاجی محمد محقق  
مشورل امور سیاسی شمال، عضو شورای مرکزی و رئیس  
شورای ولایتی بلخ حزب وحدت اسلامی افغانستان.

### پیام حجة الاسلام والمسلمین استاد محقق ...

آرمان او وماهیت سیاسی، اعتقادی او است. دشمن چه در دوران حیات و یا پس از شهادت او تلاش کرده و خواهد کرد که چهره واقعی ایشان را وارونه جلوه دهد و در هر محفلی متناسب با مزاج و سلیقه آن اشخاص و اجتماع تحریف انجام میدهد؛ در یکجا از رهبر شهید يك چهره آخوند و مرجع و متحجر و احياناً وابسته به يك کشور خارجی ترسیم میکنند و در جای دیگر بعنوان يك چهره ضد مذهبی و نژادگرا متهم میکنند و در مجمع دیگر اتهام سادیسیم و جنگ طلبی را نثار شان میکنند. و از دوستان و همسنگران ما که باید یکصدا و یکبارچه با تعهد به تمامی آرمانهای رهبر به پیش بتازند نیز برخی صرفاً از دیدگاه گرایشهای مذهبی به ایشان می نگرند و بعضی از دیدگاه قومی محض که یکی افراط و دیگری تفریط در باره شخصیت جامع او است و ما باید سعی کنیم او را چنانکه بود معرفی کنیم. او از نظر اعتقادی و اخلاقی نمونه کامل يك عالم مجاهد، متقی و مسلمان بود که آرمان بزرگش احیاء ارزشهای الهی و اسلامی بود و در این راه تا پای جان مبارزه کرد که چهارده سال جهاد او چه در سنگر مسلحانه و یا مدرسه و بشر و اشاعه معارف اسلام شاهد صادق بر این مدعا است.

و از نظر سیاسی طرفدار يك روش معتدل و برقراری يك نظام متکی بر اشتراک مساعی همه ملیتها و اقوام و احزاب جهادی و هسته های سیاسی مقیم کشور بود که سه سال مقاومت جانبازانه اش در غرب کابل و طرح تساوی حقوق ملیتهای محروم کشور در ساختار نظامی، اسلامی و ده ها سخنرانی و مصاحبه اش در ارتباط این موضوع بیانگر نحوه نگرش رهبر به قضایای سیاسی کشور است.

و از نگاه اجتماعی و حقوقی جانبدار وحدت ملی در کشور و ایجاد برابری و برادری میان ملیتهای ساکن کشور بود او میگفت: ما برای مردم خود حقوق میخواهیم و حق خواستن ما بمفهوم دشمنی با سایر ملیتها نیست، بلکه یعنی برابری و برادری تمام اقوام کشور است و ما میخواهیم «هزاره بودن» برای مردم ما جرم تلقی نشود، و تشکیل شوراییالی همانگی انقلاب اسلامی و طرح تشریک مساعی تمام اقوام کشور اعم از هزاره ها، ازبیکها، پشتونها و تاجیکها و غیره در ساختار دولت اسلامی، بعنوان میراث سیاسی رهبر شهید نمایانگر دیگاه اجتماعی و حقوقی او نسبت به کلیه مردم افغانستان است. ورسالت ما است که باید راه رهبر را با تمامی ابعاد اعتقادی، سیاسی واجتماعی آن تعقیب کنیم و در این راه استوار باشیم.

ملت مسلمان و رشید افغانستان!  
راهیان استوار و نستوه پیشوا «مزاری بزرگ»!  
اینک به مناسبت اولین سالگرد شهادت اسفبار و مظلومانه او، ازجانب خود و به نیابت ازکلیه

فاتح شدند؛ طالبان و شورای نظار هر آنچه که عقده ها و کینه ها بدل داشتند، حل کردند، از کشتن افراد غیر نظامی و بی دفاع تا تجاوز به نوامیس مردم و تا چپاول منظم دارائی و خانه های مردم. و خائنین ملی در این میان نقش پیشقراول دشمن را بازی میکردند و نا جوارفروانه قتل و کشتار و چپاول اقوام و همکیشان خویش را به دست تنگداران دشمن نظاره و یا خود نیز مرتکب جنایت می شدند. ماجرای مقاومت و حماسه غرب کابل بدین ترتیب در تهاجم و تباہی سه جانبه با تشویق کشورهای خارجی ظاهراً خاتمه یافت. مردم یتیم شدند و ماتم زده و چپاول شده. پیشوای مقاومت ملی شهید و بردوش یاران و هزاران انسان سوگمند بسوی شمال کشور انتقال یافت.

گروه جاهل و متعصب طالبان دست به جنایت هولناکی زده بود و به یکی از اهداف خویش رسیده بودند و قدم بعدی تصرف کابل بود، شورای نظار و سیاف در محاسبه خود مقاومت هزاره ها را برای همیشه شکسته بود و می خواست از بقیه السیف هزاره ها لشکری بسازد که با آن رقیب بعدی خود گروه طالبان را زمینگیر کند و نیز با تسخیر هزاره جات راه را برای تصاحب شمال کشور هموار بسازد.

گروپ خائن اکبری، فاضل و جاوید آرزو داشتند که بعد از شهادت «مزاری» پدر و رهبر مردم با پشتوانه نظامی شورای نظار و اتحاد سیاف و حمایت ها و تبلیغات مذهبی خارجی بر مقدرات مذهبی و ملی هزاره ها در غرب کابل مسلط و از این سکوی اجتماعی میشود در ساختار حکومت جای مناسب یافته و برای همیشه وزارتخانه ها و نان و نوای شان تضمین شود.

و اکنون که یکسال از عروج خونین و ملکوتی پیشوا میگردد و اورسالت خویش را ادا کرده و مسئولیت سنگین حمل امانت جهاد و سنگر حقوق ملیتهای محروم کشور و آزادی و برابری را که يك تنه بر دوش داشته اینک بر دوش راه روان راه سرخ خویش گذاشته است، و از بلندی ملکوت اعلی بر بازوان توانمند و اراده پولادین سنگرداران عرصه سیاسی و نظامی مردم ما امید بسته و نظاره میکند که چگونه روزگار را بر دشمنان خدا و مردم خویش تلخ و تلختر، و راه را برای يك آینده روشن هموار می سازند. و این بر ما است که آرمانهای مقدس رهبر را در هر کوی و برزن و در هر کوهپایه های تسخیر ناپذیر کشور در هر دره و دشت و دمن با هر صغیر گلرله و هر چکمه خون و هر انفجار بپ و راکت و سر انجم و با هر نعره تکبیر فریاد بکشیم و نگذاریم که دشمنان با دسیسه و تزویر راه ما را منحرف و دشمنان رهبر را در لباس دوست خواهی را خفه نمایند.

و از همه مهمتر برای مردم ما شناخت پیشوا و راه و

# هر کسی باید برای خود و در مزرعه خودش کشت کند

\* ما اگر وابسته بودیم، مزاری شهید را از دست نمی دادیم. مزاری شهید به این آسانی به

شهادت نمی رسید. چرا ربانی را نمی توانند پایین بکشند؟ چون اگر از زمین نشد از هوا

به او کمک می رسانند، این وابستگی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الصلوة والسلام على سيد المرسلين واله الطاهرين.

اما بعد فقد قال الله الحكيم في كتابه من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينظر وما بدلوا تبديلا.

در سوگ رهبر، پیشوا و پدری نشسته ایم که با خوشنحی حقایق سنگر مردم ما را مهر تأیید گذاشت. به احترام او گرد هم آمده ایم تا خاطره تابناک، رشادت ها و شهادت های او را در اینجا تجلیل نماییم. به جا و شایسته است که قلب های داغدار و سنگین از درد فقدان مزاری بزرگ پدر ملت مانرا به مناسبت سالگرد شهادت پر افتخار آن سالار شهیدان و پرچم دار سنگر عدالت تیریک و تسلیت عرض نمایم. هم به محضر مقدس اما زمان (ع) و هم شما عزیزان و سایر کسانی که قلب شان به خاطر شهادت آن اسوه عدالت و برابری می تپد.

گرچه شایسته نبود که در این محفل بزرگ در باره مردی که مانند خورشید بود و مثل خورشید غروب نموده بنده سخن بگویم. بهتران و بزرگان ما، راهی زیارت مرقد حضرتش بودند و به عهده ما گذاشته بودند که مزاحم اوقات شریف شما شوم که خوشبختانه اساتید را در جمع خود دارم و از سخنان پر بار محترم استاد بلاغی عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته سیاسی حزب وحدت اسلامی افغانستان مستفیض خواهم شد. و اما به عنوان پیش در آمد و دیباچه، سخن خود را با یک قطعه از تاریخ آغاز می کنم. برای آنکه این قطعه از تاریخ شاهد مدعایی ما خواهد بود. در کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر صدیق فرهنگ به ارتباط جنگ عبدالرحمن با هزاره جات می نویسد: ( جنگ برای سه سال از ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۳ با نهایت شدت دوام کرد امیر که توسط ملایان احساس مذهبی سنی را به درجه غلیان رسانده بود، بزرگترین قوای مختلط نظامی و قومی را از پنج سمت کابل، غزنی، کندهار و مزارشرف به داخل هزاره جات سوق داد بزرگترین سرداران در آن شرکت داشتند... هر قدر جنگ دوام می یافت قهر و عصبانیت و بی رحمی که تبلیغات روحانیون آنرا مقیمین می کرد افزایش می یافت اما در حالیکه هزارها دست شان جزیه افراد اردو به کسی نمی رسید نیروی حکومت و سران ایشان بر مردم ملکی بیداد می کردند. آنها بر علاوه قتل و شکنجه مردان، بر زنان و اطفال هم ابقا نمی نمودند. این گروه ای از تاریخ ستم بار مردم ماست. صد ها سال ما اینگونه زندگی کردیم و در زیر این نوع ستم ها بزرگ شدیم، بالیدیم و آمدمیم تا به غرب کابل رسیدیم و آنگونه مقاومت کردیم. در افغانستان بر مردم ما ستم کردند ستم های مضاعف از میان انواع ستم ها در این جا دو نوع ستم را مشخص ساخته به ارتباط آن صحبت می نمایم:

۱- ستم ملی

۲- ستم مذهبی

حالا بررسی می کنیم که کدام یک از دو نوع ستم اساس و زیر بنای دو کدام روینا آنچه که در افغانستان اساس بود ملت بود. همان گونه که استاد شهید در یکی از سخنرانی هایش می فرماید: (در افغانستان شعارها مذهبی است اما عمل کردها نژادی و ملیتی) اساس کار ملت بود چون ملت ما در افغانستان محکوم بود مذهب ما نیز محکوم بود زیرا ملت و مردمیکه محکوم می شود هر آنچه که تعلق به آن مردم داشته باشد نیز محکوم می گردد و حتی تاریخ آن ها. چرا تاریخ آن مردم دچار محکومیت و شهادت می گردد؟ چون تاریخ پیام دارد صدای را که در عصر خود خاموش می شود به نسل آینده می سپارد، تاریخ می گوید بر شما مردم چه رفته است بر آبا و اجداد شما چه رفته است چه قهرمان های داشته اید، چه مبارزاتی کرده اید و با چه حیلله هایی مقاومت شما را در طول تاریخ درهم شکسته اند، نسل های آینده از این پیام برای رفتن به راه صحیح استفاده می کنند و با این پیام راه آینده خود را روشن می سازند. پس باید تاریخ ملت و مردم محکوم دچار خلاء گردد و قطع شود. نسل آینده از نسل گذشته

مانند. این را کسی به حساب نیاورد. در آنجا به خارجی ها گوش زد کردند که فکر تان باشد که اینها وابستگان ایران اند و حتی در جهاد هم سهم ندارند. بنابراین دیگر دلیل ندارد که به اینها کمک شود و بی جهت است که شما یاد از اینها می کنید. سیاست کتمان موجودیت و ارزش های ما در این زمان نیز دنبال می شود. ما مجاهد بودیم ما شهید دادیم اما در عین حال موجودیت و جهاد ما کتمان می شد تا آنکه برای ما بازهم محرومیت مضاعف به بار آوردند و ما نتوانیم از کمک هاییکه برای جهاد افغانستان می شد بهره مند شویم. ببینید ملتی که محکوم می شود از هر وسیله برای محکومیت آنها استفاده می گردد.

و حتی از مبتذل ترین وسیله. شما جریان توطئه تسمم مواد غذایی را در کابل به خاطر دارید، وقتیکه مسعود - ربانی از جنگی که آغاز کرده بودند نفعی نبردند، توطئه دیگری را سازمان دادند تا آنکه دیگر ملیت ها را بر علیه ما تحریک کرده باشند. از مذهب استفاده کرد و استاد سیاف را بر علیه ما جنگاند، نیروهای سیاف را چارچ کرد و آنها به عنوان مجاهد دست به هزاره کشی زدند اما این دیگر کفایت نمی کرد. حالا باید ترفند دیگری را پیش بگیرند. بچه های خورد سال هزاره را می بردند با شکنجه و آزار می کردند که به تسمم مواد غذایی اعتراض نمایند. می خواستند که نفاق دیگری را در بین اقوام افغانستان راه بیندازند. ببینید از چه وسیله های برای محکومیت ملیت ما استفاده می شود، چون ملیت ما محکوم است هر نسبت زشتی در مورد مردم ما پذیرفته می شود اما در باره دیگران

پذیرفته نمی شود. هر چیز نجسیتی بر مردم ما می چسبد اما به دیگران نمی چسبد، فلذا مسأله تسمم مواد غذایی را مطرح کردند و نزدیک بود که اقوام و ملیت های دیگر باور کنند که هزاره ها مواد غذایی را مسموم کرده اند و می خواهند از

چرا مزاری را می کشند؟ چرا دست بسته او را تیرباران می کنند؟ چون می دانند که هیچ کشور دیگری صدای شان برای مزاری بلند نمی شود. چند نفر هزاره فقیر در کوهستان هزاره جات هستند که هر چند فریاد بزنند از کوهستان هزاره جات فراتر نمی رود. پس مزاری کشتن آسان است؛ اما پایین کشیدن ربانی بخاطر پشتیبانی خارجی محال می شود.

باید بریده شود تا صدای نسل های گذشته به نسل های آینده نرسد. به ارتباط مردم ما نیز چنین سیاستی اعمال گردید. تلاش داشتند که مقاومت سرسختانه، عادلانه و بر حق مردم ما را بر علیه جور و ستم و ساختار ظالمانه سیاسی به عنوان شرارت عده اشرار رقم زده به تاریخ سپارند اما واقعیت های تلخ از شکاف های دیوار این سیاست بیرون زده و بر ما آشکار گشت. به هر صورت چون ما مردم محکوم بودیم، مذهب ما نیز محکوم بود اما اساس در افغانستان ملیت بود و مذهب وسیله محکومیت. با مذهب می خواستند احساسات را به غلیان در آورند و آنگاه قبایل را جمع کنند برای سرکوب مردم ما. در قطعه تاریخی که قرائت شد به وضوح شنیدید که عبدالرحمن چه می کند

و با چه وسیله اقوام و قبایل را آوار می کند که به هزاره جات بیایند و هزاره را بکشند. پس مذهب همیشه توجیه گر و عامل انگیزش بوده است، تا اینکه نفاق اجتماعی ایجاد کند. ببینید وسیله سازی مذهب تا جایست که سیاست ستم ملی، مذهب مشترک ما را با مردم ایران وسیله می سازد و ما را وابسته ایران قلمداد می کند. دلیلش فقط مذهب مشترک ما با آنهاست، چیزی دیگری وجود ندارد. اگر بنا باشد مذهب وسیله وابستگی باشد و مذهب یک جامعه را وابسته بسازد. برادران دیگر ما نیز مذهب مشترک با کشور هایی داشتند و دارند اما ما هیچ وقت نگفتیم و فریاد نزدیم که شما وابستگان چه کشور هایی هستید. چون ملیت و مردم ما محکوم است از این وسیله، برای همیشه استفاده می شود. از مذهب مشترک ما با ایران به عنوان عامل فشار استفاده می کنند، تا مردم ما در رقابت های منطقی کشور های دیگر خورده کنند. کشور ما با همسایگان رقابت دارند، کشمکش دارند ما را هم وابسته به یک کشور می سازند آن وقت چین های تانک را به روی کرده ما می چرخانند (تکبیر حضار) این واقعیت انکار ناپذیر است که نباید به عامل بیگانگان موقعت داده شود و نباید هیچ یک از ابعادی وطن به نفع بیگانه در داخل کشورش تلاش نماید. هر کسی باید برای خود و در مزرعه خودش کشت کند. ما به همه برادران این حق را می هدیم و خود ما هم چنین اعتقاد داریم که نباید مردم کشور ما عامل بیگانه باشد. اما باید بررسی کنیم که چه کسی عامل بیگانه است و چرا مذهب مشترک ما علیه مردم ما استفاده می شود. این تبلیغات وسیله ای بود برای کوبیدن و محکومیت ما. یک خاطره دارم از رهبر شهید. ایشان می فرمود: یک سیمیناری در پاکستان بود که در آن سیمینار خارجی ها و افغان ها حضور داشتند و یک خارجی پشت تریبون رفت و گفت مردمی در اوایل جهاد بودند که مبارزه می کردند و بیشتر از همه مناطق شانرا ازاد کردند حالا این مردم کجايند چرا در این جا حضور ندارند؟ یکی از برادران برای آنکه جوابی داده باشد پشت تریبون می رود می گوید: پلی مردمی بودند آنها مقداری اسلحه از ایران آوردند و حالا مشغول نبرد با همدیگر هستند یعنی با خود می جنگند. دیگر اینها به عنوان مجاهد بر علیه روس و سربازان روسی فیر نمی کنند. برای همه روشن است ما پیش از همه مناطق خود را آزاد کردیم و نیروی دشمن هیچ وقت نتوانست در مناطق ما نفوذ کند و تا آخرم مناطق ما آزاد شده باقی

این طریق ملیت های دیگر را از پای در آورند. این خیانت ملی است و ما هرگز از چنین کاری نمی کردیم و چنین کاری را یک خیانت می دانیم. یک مسلمان هرگز چنین وسیله های مبتذل برای مبارزات حق طلبانه خود استفاده نمی کند. ما مبارزات حق طلبانه داشتیم ما در جبهه حق قرار داشتیم پس چه دلیل داشت که از این وسیله ها استفاده کنیم. از این وسیله ها کسانی استفاده می کنند که سنگر شان سنگر ظالمانه است. حقانیت ما کافی بود بر محکومیت طرف مقابل. ما مستقل ترین مردم در افغانستان هستیم. و مغرور ترین مردم و با عزت ترین مردم، با همه سیاست های ستم گرایانه که در حق ما رواداشته شد که این مردم را بشکنند این مردم شکسته نشد. این از عزت نفس ما حکایت می کند. عبدالرحمن در خاطراتش می گوید بیش از همه سرکوب هزاره جات پایه های حکومت من را استحکام بخشید زیرا که بزرگترین سلاطین مغل نتوانست این مردم را مهار کند و همچنین نادر انشار اما من مهار کردم. این عزت ماست که هیچ متجاوزی نمی تواند در سرزمین ما رخنه کند و بر ما غالب آید. ما مردم سرسختانه از مناطق خود دفاع کرده ایم این چنین یادگار از خود در تاریخ گذاشته ایم. ما فرزندان راستین وطن هستیم پس چرا ما را می کشند؟ آیا به همین جرم که ما وجب به وجب از خاک وطن خود دفاع کرده ایم؟ شهادت استاد بزرگوار، پرچم دار سترگ عدالت شاهد دیگری بر استقلال و عزت نفس ماست.

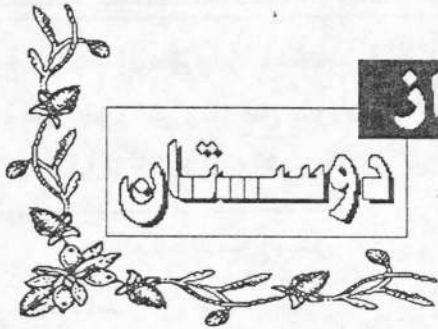
ما اگر وابسته بودیم، مزاری شهید را از دست نمی دادیم. مزاری شهید به این آسانی به شهادت نمی رسید. چرا ربانی را نمی توانند پایین بکشند؟ چون اگر از زمین نشد از هوا به او کمک می رسانند، این وابستگی است. چرا مزاری را می کشند؟ ادامه دارد

## تجلیل از سالگرد شهادت رهبر شهید در مربوطات ولایت میدان

اسلامی، تحت رهبری داکتر صادق مدبر گرد هم آمده بودند با شعار های یکپارچه و کوبنده انزجار و تنفر خویش را از قاتلان شهادی غرب کابل و گروه نام نهاد طالبان ابراز داشتند. محفل که با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید توسط قاری «رجب علی» آغاز گردید، با سرود شاگردان مرکز تعلیمی شهید شیخ عارف ادامه یافت، سپس سخنرانان آقای شیخ زمان عظیمی نماینده مردم سر چشمه، آقای

بناسبت اولین سالگرد شهادت سیدالشهدای انقلاب اسلامی افغانستان، مزاری بزرگ، روز ۲۲ حوت ماه جاری مراسم پرشکوه و با عظمت از طرف اهالی قراء سرچشمه قوماندانان و منسوبین فرقه ۹۶ جهادی ولایت میدان حزب وحدت اسلامی افغانستان برگزار گردید. درین مراسم که هزاران تن از شیفتگان و رهروان راه رهبر شهید از مناطق سرچشمه، سیاه پستاب و سنگلاخ به شمول مجاهدین و قوماندانان حرکت

مردمی در اوایل جهاد بودند که مبارزه می کردند و بیشتر از همه مناطق شانرا ازاد کردند حالا این مردم کجايند چرا در این جا حضور ندارند؟ یکی از برادران برای آنکه جوابی داده باشد پشت تریبون می رود می گوید: پلی مردمی بودند آنها مقداری اسلحه از ایران آوردند و حالا مشغول نبرد با همدیگر هستند یعنی با خود می جنگند. دیگر اینها به عنوان مجاهد بر علیه روس و سربازان روسی فیر نمی کنند. برای همه روشن است ما پیش از همه مناطق خود را آزاد کردیم و نیروی دشمن هیچ وقت نتوانست در مناطق ما نفوذ کند و تا آخرم مناطق ما آزاد شده باقی



از

دوستان

آن روز استاد باریابی عام داشت. مردم یکی پی دیگری می آمدند. خلوت میکردند. درد دلها، شکایتها و گله های شان را ابراز میداشتند و استاد مزاری همه را میشنید. باکسی عتاب نمیکرد و سخنی نمیکفت جز به نیکویی و آرامی و تطف و دلای شان را خوش میکرد و هرچه میگفت دلبیری همه را مینوشت. تختی بعد مرا خلوتی بود با استاد و دوسه یارانش تا نیمه روز، سپس خوان گسترده. بی تکلف و بی دبدبه. شوربای گوشت گوسفند با کاسه ماستی و چای سبز هیلداری. آن روزها جنگی تازه رخ داده بود. استاد سخت مقصر میدانست مخالفان و رقبايش را و پیوسته میگفت «اگر ما این کار را نمیکردیم، آنها پیشدستی میکردند و آن وقت اوضاع بدتر میشد. منطقی است دست ما میرفت و مردم پریشان و آواره میشدند...» من چیزی نتوانستم بگویم و قضای آمده را تفکر و تأمل سودی نداشت و در دل نگران بودم.

سپس ضرورتی پیش آمد و فرسخها دور شدم و چند ماهی استاد را ندیدم. تا يك روز خبر شدم که در کار غرب کابل از هر جانب خللی بیفتاد و لشکری بدان آراستگی و سر سختی از هم بگسیخت و همه سپاهیان و ساز و برگ سنگین نظامی رایگان بر افتادند و زیر و زبر گشتند و از دست رفتند و استاد عبدالعلی مزاری و تنی چند از همزمان نزدیکش ناجوارفرانه به شهادت رسیدند. شهادتی که بر نفوذ و مرتبت او در دل یارانش افزود. و من مدتهاست که خون جگر میخورم و ایگاش چنین نمیشد و این خللها را هرگز نمیشنیدم و نمیدیدم.

روحش شاد و یادش گرامی.

\*\*\*\*\*

نجیب از کویته

## انگیزه های شهادت استاد مزاری

تاریخ ملت ما را خون و حماسه شکل میدهد، خونیکه بمشابه جریان سیل در طول تاریخ جاری بوده و می رود تا بنیان هر آنچه ظلم و تبعیض و نابرابری در افغانستان است از ریشه برکنند. درین میان بیشک خون پاک و مقدس رهبر شهید و قید مردم ما استاد مزاری چون خرنهای بناحق ریخته (حسین(ع) و یارانش مسیر تاریخ را بنفع محکومان تغییر خواهد داد ولی آنچه بعنوان سوال ذهن فرآزاده. را مخاطب خودش قرار میدهد اینست که انگیزه شهادت استاد مزاری بعنوان یکی از آغازگران جهاد ضد روسی و محبوب ترین چهره ملی افغانستان چه بوده است؟ چرا با آنکه استاد شهید مزاری توافقاتی را با گروهک طالبان انجام داد همین گروهک بد نام و فاشیست او را مظلومانه به شهادت رساندند؟

آنچه ذیلاً می خوانید انگیزه های شهادت استاد شهید می باشد:-

۱- عدالت خواهی و مبارزه با حاکمیت انحطاری گذشته و حال استاد بعنوان فردیکه از میان محروم ترین قشر جامعه افغانستان یعنی ملت هزاره برخاسته بود مسلماً طعم تلخ حقارتها و مظلومیت های مردم خود را وسائر ملت های محروم وطن را مانند ازبک ها، تاجک ها، ترکمن ها..... بخوبی احساس می کرد و همیشه در این تلاش بود تا محرومیت های تاریخی دیگر تکرار نگردد و همه مردم افغانستان اعم از هزاره، ازبک، تاجک و پشتون... از مزایای حقوق انسانی و سیاسی خود برخوردار شوند و عدالت اجتماعی که از اصول اسلام است در جامعه افغانستان حاکم شود که این روحیه، استاد و این برداشت او باعث گشت که کینه تیزان تاریخی و دشمنان قسم خورده، ملت های محروم افغانستان وجود این آزاده و قهرمان ملی را تحمل نتوانند.

۲- مدافع راستین حکومت اسلامی

استاد از آنجا که خودش زاده مکتب حیات بخش اسلام بود و چاره همه دردها را هم در تمسک اسلامی و آیین نجات بخش آن میدید بهمین خاطر بود که یکی از خواسته ها و آرزوهای بزرگ او و تحقق يك حکومت اسلامی با پایه های وسیع مردمی آن بود که این خواسته، استاد شهید نیز مغایر به آرمان های مزدوران اجنبی بود و وجود این تفکر را سخت مخالف منافع خود می دانستند.

۳- خیانت تاریخی باند شوروی نظر مسعود ربانی و عمال خود فروخته (اکبری، فاضل...).

استاد شهید کسی بود که با ابتکار او زمینه سقوط رژیم کابل بدست مجاهدین فراهم گشت و نیروهای مسعود وارد پایتخت گردید

ص ۵

میز کرچکی در گوشه بالا و چوکهای کوچک و فراوانی در دو سوی اتاق. وقتی مرا دید، در جایش ایستاد. دوسه قدمی پیش آمد. دستهای مزا به گرمی فشرد و اجازه نشستن فرمود. استاد در آن روز چین نسواری رنگی بر دوش افکنده، لنکی چندولی فولادیش را کمی کج بر سر بسته و سلپبر سیاه پس قاتی به شیوه عیاران زادگاهش در پا داشت. از دیدنش به شگفتی اندر شدم. چقدر ساده و بی پیرایه است. حین صحبت چشمان سبزرنگش از خوشی میدرخشید و ریش دراز ماش و برنجش يك زیبایی آرام و کمال مطلوب برایش میبخشید. مذاکره ما زود گل کرد و صمیمانه شد. مضمون گپ و سخن ما بیشتر درباره اوضاع مملکت بود و کنکاش در این امر که حرکت بر کدام جانب صواب تر است و به منفعت قوم سازگارتر. آن روز گپهای زیادی زدیم و شنیدیم. آنچه او میدید و میدانست من نمیتوانستم ببینم و بدانم. گاهی جواب پرسش شان را میدانستم اما زهر نداشتیم که بگویم. کم کم دل گرفتیم و باری اندیشه هابم را بی محابا گفتم. اما او خویشتندار بود و سخت نمیکرفت و بسیار هوشیار مینمود. استاد در آن روزگار جز کار و وظیفه سرگرمی و مشغولیتی نداشت و همه سخن از این میگفت و دل در توکل بسته و برکارها چیره. تا نماز پیشین بیشتر آن چه رفته بود و کرده بود همه را باز نمود. من که آن صمیمیت و برادری را دیدم، سخت خوشم آمد و رشته افکش را در دل محکم بستم. روزهای زیادی گذشت. کم کم همه چیز تغییر کرد و آتش جنگ شعله ور گشت. جنگی که از آن صعب تر نبود و پیوسته باران راکت و توپ و تانک و بمبها و گلوله ها در منطقه جاری. خیر شدم که استاد جامه عادی را انگنهد و لباس رزم پوشیده و فتوحات نمایانی کرده و هر روز و هفته قلمروش را گسترش میبخشد. گاهی این جنگها برای همه حلوا پخش نمیکند و بردلای بیشماري خار غم میکارد... همین که شعله جنگ فروکش کرد، به دیدار استاد مزاری شتافتیم. رسم خدمت را به جا آوردیم و مدتها با همدیگر صحبت و اختلاط کردیم. وقتی تنی چند از یاران و قوماندانهای استاد آمدند و استاد به رتق و فتق امور مشغول گردید، اجازه خواستم و مرخص شدم.

سه ماه بعد مخالفان بر افشار مستولی شدند و من چند روزی

استاد را ندیدم و پسانتر خبر شدم که جنگی رخ داده که از آن سخت تر نبوده و تا نزدیک چاشت قوم کوشیده که از محاصره خود را برهاند که ناگهان سستی به ایشان راه یافته و خصم در کوهها و ارتفاعات نفوذ کرده اند و شد آن چه که نمی باید میشد و خللی افتاد آن چنان که دانی... استاد را با دشواری از منطقه میکشند. چند روزی بار نیدهد. خسته و دلنگ است. از اتاقش بیرون نمی آید و جز لقمه چندی غذا نمیکورد که نه خورد حدیثی بود. تا آن که روزی بزرگان قوم میروند و میگویند زندگی بابه دراز باد. تا جهانست چنین بوده و ما همه را تلافی خواهیم کرد. دل استاد خوش میشود و میدانند که غم خوردن سودی ندارد و دوباره سرشته کارها را از سر میگیرد.

وقتی به دیدار استاد موفق شدم، استاد شالا و برزوی هزاره گی برتن داشت و خشم رعب آوری از تمامهای پرتوان و چشمهای غضب آلود او میتراوید. استاد هنوز تنگدل بود و ملتفت به کار جنگاوران و لشکر. وقتی مرا دید، خنده تلخی بر لبش شگفت و فقط گفت «دیدي که خابنان کارشان را کردند» فرصتی برای همدردی و تسلی و ازاین قبیل چیزها نبود. ناگهان پیغامی رسید از شورای مرکزی بامیان و صحبت ماکوتاه شد و اجازه گرفتیم و رخصت شدیم. بیرون مقرر فرماندهی کارته سه جانبازان بسیاری غرق در سلاح و مهمات منتظر فرمان بودند.

آن روزها رفتند. هر چند به تلخی و کندی و مزاری دوباره توانست قد راست کند. آدمی که دوستان و دشمنانی داشت فراوان و جرار. و در اندک مدتی کارش دوباره چنان بالا گرفت که بر قسمتهای بزرگی از شهر کابل پیروانش چیره گشتند و خود فرمان میراند و حل و عقد هیچ اموری در کشور بدون او ممکن و مقدور نبود.

آخرین باری که استاد را دیدم، بر دیوان مخملین تکیه زده بود. لنگش را يك سو نهاده و بیشتر به تندبسی از میکلائز میباند. هم متفکر هم فعال. با حالت و سیمای کاملاً ساده و بدون پیرایه. تسبیح درازش را لای انگشتانش میچرخاند و سرش را دور داده با کسی مشورت میکرد. میان سرگردن و ریش و شانه و بازو ها و تمام پیکره استاد تناسب دقیقی وجود داشت و هر رگ بر آمده و عضله کشیده بر ارتعاش روانی حالت پر عظمت مرد تاکید میکرد.

تقدیم به پیشگاه پیشوا، بابه مزاری :

ع- فروغ از اسفهان

## از آفتاب به آینه بازی گردیم

ای شب ببند راه سخن را به آفتاب زیرا که صبح، یار ازین شهر می رود امشب از آینه به آفتاب سفر می کنیم، و از آفتاب به آینه باز می گردیم. چه کسی، هرگز در پهنه جهان و پهنای زمان، چنین سفری داشته و چنین بازی گشتی را آزموده است؟ هیچ کسی. هیچ کسی، مگر آنان که در پیاله عشق، «عکس رخ یار دیده اند»؛ و از پیمانته بی قرارها جرعه وصال چشیده اند... و آنگاه نا گهان چشم گشوده و خود را، در سنگلاخ هجران یار، ماقزده یافته اند. آنان که در فراق یار همه ابرهای عالم را گریسته اند و هر لحظه، هزار بار، مرگ را زیسته اند.

و ما فرزندان مزاری، همان دلشدگانیم که از سالها قبل، چنین زیستی را آغاز کردیم و از يك سال پیش از صبح و شام ۲۲ حوت سال ۱۳۷۳، چنین زیستی را سرشت خویش و سرنوشت خویش یافتیم.

این روزها، ما مردم مظلوم، که عشق مزاری بزرگ، در جانها و دلها مان شوق و شور، و در اندیشه هابان بیداری و شعور آفرید، شبی دیگر داریم؛ شبی که در برابر آینه، به عظمت جهان می نشینیم تا سفر به آفتاب را تجربه کنیم. آینه، ما یاد آن چهره شکر است. که چشمانی با نگاهی عمیق تر از همه دریاها و درختان تر از آفتاب همه سحرگهان داشت.

آینه بی که طوطی صفت عمری به درازای هزاران سال در برابر نشستیم، تا آنچه «استاد ازل گفت بگو» بگویم. و راهی که آن رهبر خردمند، و پیشوای تاریخی شیعه و هزاره، پیش پایمان گشود، با پای دل طی کنیم.

آن یار یگانه، سالها پیش، راه تاریخی ملت پرشور را گشود. و يك سال پیش در اوج غرور و سر اترازی ملت هزاره به نقطه ای رسید که پایان راه جسمش، ولی سر آغاز راه روحش بود.

او ادامه آن راه را به ما واگذاشت.

و اکنون يك سال است که اشک در چشم، شوق در دل، و شور در جان، این راه را منزل به منزل، به عشق رسیدن تا نهایت «سرمنزله» با طلايه داری و کاروانسالارانی که آینه یاد و نام و راه مزاری کبیر را در دست دارند، عاشقانه پیش می رویم. و بارهبری آینه دار عشق مزاری، که خود از تبار سالاران و رهبران سرنوشت ساز است، هر لحظه، هزار بار از آینه، یادش، به آفتاب راهش سفر می کنیم. و از آفتاب به آینه بازی می گردیم. سفری و بازگشتی، که هیچ کسی، جز ملت مسلمان، زجر دیده و طناب بردوش هزاره، بخت آزمودنش را نداشت.

\*\*\*\*\*

خاطری از مهجور

## مردی از مردستان

استاد عبدالعلی مزاری برایم نام آشنایی بود. کارنامه های جهادی او علیه اشغالگران روسی بس نمایان و درخشان بود و چه شوری که برانگیخته بود. وقتی جهاد پیروز گشت و دولت اسلامی در کشور مستقر شد، روزی ضرورتی پیش آمد و استاد مرا خواست. پیش از باریابی سوالهای زیادی در ذهنم پدیدار گشتند: چه گپ است؟ چه میخراهد؟ بروم؟ نروم؟ چطور بروم؟ چه بپوشم؟ چه بگویم... چاره بی جز اطاعت نبود. ساعتی بعد به مقر حزب وحدت اسلامی در افشار رسیدم. ازدحام زیادی در آن جابر پا بود. مردم دسته دسته می آمدند. میرفتند. بسیاری برای تیریکی و شادی و تهنیت و بعضیها برای انجام کار و مشورت. همه بارش و عمامه و قبا و گردن افراشته و فاتح و مصمم و اغلب سراپا مسلح. به هیچصورت هم رنگ جماعت نبودم. گاهی میاندیشیدم که ملاقات يك رهبر جهادی و حجت الإسلام برای من در شمی پوش و با سروصورت آن چنانی آیا زیننده است و خطر ندارد؟! دلهره و اضطرابی داشتم که نپرس. در تنگنای عجیبی گیر مانده بودم. اما چه میتوانستم کرد. به ناچار پله های زینه را پیمودم. دروازه اتاتی را گشودم و در جمله منتظران نشستیم. تختی بعد نوبتم رسید و استاد مرا خواست. مزاری دفتری داشت بزرگ و روشن. با



# پیام حجة الاسلام والمسلمین استاد محقق مسئول عمومی امور سیاسی شمال و رئیس شورای ولایتی بلخ حزب وحدت اسلامی افغانستان به مناسبت اولین سالگرد شهادت رهبر شهید حجة الاسلام والمسلمین استاد مزاری «رح»

مزموع: ۱۳۷۴/۱۲/۲۰

جانیه و تحمیلی را انتخاب کردند که نتایج آن جنگهای سه ساله کابل علیه مردم مابود، قتل عام «چنداول» و قتل عام «افشار» بمبارانها و راکت اندازهای کور علیه «دشت برچی»، «قلعه شهادت»، «کارته سه و چهار» وغیره بود که در این جنگها سیاف و مسعود از هیچ جنایتی علیه مردم هزاره، غرب کابل چه نظامی وغیر نظامی دریغ نکردند و نیز جمعی از عناصر خائن و دنیا طلب که ماهیت ارتجاعی و سازشکارانه داشتند و به آرمان تشیع و هويت ملی ما بعنوان دو اصل اساسی در احیاء حقوق اجتماعی مردم ما باور نداشتند چون: اکبری، فاضل و جاوید و دستیاران مزدور آن، در کنار دشمن رفتند وعلیه مردم غرب کابل و حزب وحدت اسلامی و رهبر سازش ناپذیر و استوار آن «مزاری بزرگ» وارد جنگ شدند و سر انجام در یک جنگ ویرانگر یکماهه که از سه جناح علیه مردم و رهبر ما در غرب کابل سازماندهی شد، از یکسو گروه خائن طالبان واز یکطرف دولت نام نهاد ریانی مسعود و از طرفی هم خائنین ملی که از متن مردم خود را فرار کرده به دامن دشمن پناه برده بودند، مقاومت مردم شکسته شد، رهبر مقاومت ملی در غرب کابل با دستهای بسته شده به شهادت رسید، مردم حیثیت سیاسی و ملی شان با دادن شهادی زیادی لگدمال شد و مردم غرب کابل یکپارچه در سوگ پیشوای مقاومت شان عزادار و یتیم شدند. دشمنان مردم ما بحسب ظاهر ۵

ملیتها را در ساختار دولت مطرح می ساخت مدافع حقوق مذهبی و سیاسی تشیع و هزاره های کشور نیز بود، او همیشه می گفت: ما برای مردم خود حق شان را میخواستیم و حق خواستن مفهوم دشمنی با کسی نیست، ما میخواستیم از نگاه ملی برای مردم ما «هزاره بودن» جرم نباشد. او میخواست تبعیض و ظلم به هر شکل آن چه مذهبی و چه نژادی در کشور رفع شود و هر کسی که برای آزادی کشور جهاد کرده تقدیر و در ساختار نظام اسلامی پذیرفته شود.

ولی وجود این تندیس عدالت و برابری و این فریاد راستین حقوق ملیتهای محروم کشور برای حکام انحصارگر و ماهیتاً ارتجاعی کابل قابل تحمل نبود بدین لحاظ اتحاد سیاف و شورای نظار و ریانی برای خاموش ساختن فریاد حق خواهی و عدالت طلبی جنگ همه

بسم الله الرحمن الرحيم  
وَمَنْ يَقاتِلْ فِي سَبيلِ اللهِ فيقتلْ أوْ يَقتلْ فَمَوتًا نَوابِةً أجرًا عَظيمًا «قرآن کریم»  
پیکار در راه خدا که همان تلاش و فداکاری بیدریغ مسلحانه در مقابله با دشمنان خدا است برای برقراری ارزشهای الهی اعتقادی، اخلاقی و تحقق عدل و برابری انسانها زرفع هرگونه مظاهر شرک، ظلم و اجحاف و تعدی، از رسالت هائی است که بر دوش هر فرد مسلمان مسئول و متعهد است.

انسان مسلمان و مسئول برای طی کردن این مسیر دشوار با هرگونه خطرها و ناملائیات مواجه میشود و سر انجام یا به استقبال شهادت میرود و با خفتن در بستر سرخ شهادت جاودانه میگردد و برای همیشه تاریخ، برای همه نسلها الگوی چگونگی زیستن و چگونگی مردن میشود. ویا اینکه شاهد پیروزی را در آغوش می گیرد و با پیروزی بر خصم جلا، ترانه، آزادی و عدالت و برابری را بر قتل پر افتخار فتح و نصرت الهی به گوش جهانیان و انسانهای تحت ستم فریاد می کشد و انسانهای مظلوم را از هر تیره و تبار و از هر رنگ و نژاد به توحید و یگانگی فرا میخواند که «آخری تحبونها نصرمن الله و فتح قریب»، و در این صحنه تقابل بی امان نیروهای حق و باطل، نور و ظلمت، جهل و آگاهی که به درازای تاریخ زندگی انسان از هابیل و قابیل تا عصر حاضر دوام داشته و دارد، باید به نقش شخصیت هائی که موج انسانهای میاز و عدالت خواه را با فداکاری رهبری میکنند و آنها را از میان سیل توطئه ها و دسائس بسوی منزل مقصود پیش میبرد، ترجه داشت و از میان اوج متلاطم رزمجویان متعهد است که انگشت شمار انسانها بر می خیزد که نهضت های دینی، اخلاقی و عدالت خواهی و آزادی طلبی را رهبری میکنند و تجسم آرمان یک ملت میشوند و مردم آرمانهای انقلابی خویش را در وجود آنها می بیند، چون مصلحان بزرگ تاریخ از مسیح تا پیامبر اسلام حضرت محمد «ص» تا پیشوایان دینی و ملی ادوار بعدی چون گاندی و جناح، سیدجمال الدین، اقبال و علامه بلخی و... آنچه که از هفده

سال قبل و بیشتر از یکدهه در افغانستان رخ داد، تقابل قهر آمیز و حماسه ساز یک ملت مسلمان مجاهد و مسئول بیست میلیونی بود که با یکی از قدرتهای جهانی و ملتاریستی جهان - اتحاد شوروی سابق - که دست خالی بر مدرترین تسلیحات معاصر پیروز شدند و آتشفشان خشم میلیونها انسان مسئول که برای حفظ ارزشهای اعتقادی، وطنی و ملی شان قیام کرده بودند، هبت و بود اشغالگران و دست نشاندگان شان را در کام خویش فروبرد و در راه به ثمر رسانیدن این قیام بیشتر از یک و نیم میلیون انسان مسلمان به استقبال شهادت رفتند و میلیونها انسان آواره شدند و اما با خون خویش آزادی را برای مردم شان به ارمغان آوردند.

اما در متن این قیام قهر آمیز و معجزه بزرگ قرن معاصر تک ستاره های آسمان مقاومت ملی و اسلامی ما چون اسماعیل مبلغ ها، بصیرها، واحدی ها، عبدالله ها و حسینی ها که مردانه بر سر تعهد خویش در زندانها و یا در سنگرها با جامه خونین و سرخو به لقاء پروردگار شان رفتند؛ جایگاه خاص خود را دارند که از میان همه این سرخ جامگان نقش رهبری کننده پیشوای کبیر مقاومت ملی و اسلامی مان حضرت حجة الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری رهبر شهید حزب وحدت اسلامی افغانستان از همه بارزتر است، او همچون ستاره روشن بر پیشانی نهضت مقاومت ملی مان می درخشد و نام او و یاد او روشن دهنده سنگر، مدرسه و محفل مردم ما است.

«مزاری بزرگ» از مدرسه دینی مبارزات خویش را در ساحه اعتقادی، فرهنگی آغاز و سالها برای نشر علوم و معارف و اخلاق اسلامی و نیز ایجاد یک تشکل سیاسی متکی بر اسلام انقلابی در افغانستان مبارزه کرد و آنگاه که کشور ما مورد هجوم اشغالگران روسی قرار گرفت به صف جهاد مسلحانه پیوست و در روزهای دشوار اولین قیام مسلحانه در کشور یار صمیمی سنگر نشینان و مردم بود. او طی چهارده سال جهاد یکرور آرام نگرفت، گاه در سنگرهای داغ مسلحانه و گاهی در سنگر های فرهنگ و سیاست و موضعگیریهای تشکیلاتی سیاسی در کنار مردم بود، و برای مردم ما می آموخت که چگونه بچنگند و چگونه از مواضع سیاسی و عقیدتی شان دفاع کنند، او در سیاست گزاریهای صادق و استوار بود و در طی جهاد مسلحانه علیه بیگانه یک گام بسوی سازش ترفت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به یک منادی استوار عدالت اجتماعی و برابری حقوق سیاسی و مذهبی ملیتهای باهم برادر کشور مبدل گشت و می گفت: که تمام ملیتهای ساکن کشور واحزاب جهادی باید با حقوق مساوی - هرکس بقدر شعاع وجودی خود - در ساختار یک دولت اسلامی حضور پیدا کند.

«مزاری بزرگ» در عین حالیکه فرمول معقول اشتراک کلیه

## در مطابقت به اعلامیه حزب وحدت اسلامی افغانستان؛

# مراسم عزای ملی در بامیان برگزار گردید

ستاره درخشان را از ما گرفت. که مردم ما هرگز او را فراموش نکنند. جلسه با عزاداری و نوحه سرایی تا پاسی از روز ادامه داشت.

سومین روز عزای ملی و تجلیل از سالروز شهادت سید الشهدای انقلاب اسلامی افغانستان استاد مزاری و یاران باوفای وی شهید ابودر غزنوی، شهید اخلاصی، شهید ابراهیمی، شهید سیدعلی علوی، شهید جان محمد، شهید عباس جعفری و شهید گنم غرب کابل و فاجعه دغراش سال گذشته، غرب کابل در میان امواج اندوه و ماتم هزاران تن از مردم سوگوار شهر بامیان برگزار گردید.

محوطه مراسم که به سبب تراکم بیش از حد جمعیت در فضای باز انتخاب گشته با پلاکارت ها و تصاویر رهبر شهید، تصاویری از حضرت آیت الله محقق کابلی تزئین یافته و سیاه پوش گردیده بود. در گزارش آمده است که مردم عزادار در نخستین ساعات روز در محل جلسه گردهم آمده و فریاد میزدند، مزاری مزاری راحت ادامه دارد حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد. خلیلی خلیلی تسلیت، و شعار های دیگر فضای جلسه را از معنویت انباشته بودند.

مراسم در ساعت ۹ صبح با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید رسماً آغاز گردید. سرود ها، سوگنامه ها و مقاله های عده ای از خواهران و برادران بخش بعدی برنامه را تشکیل میداد. در پایان این محفل استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان سخنرانی مفصل خویش را بدین مناسبت ایراد فرمودند.

استاد خلیلی در آغاز سخنان شان، مصیبت بزرگ شهادت رهبر و یاران باوفای وی، به مردم قهرمان و فداکار، به شورای عالی نظارت و شورای مرکزی، فرمانداتان و نیروهای رزمنده اردوی اسلامی حزب وحدت افغانستان تسلیت گفته و علاوه نمودند؛ این روز ها مردم ما در گوشه گوشه دنیا در سوگ و عزای نشسته و از مقام شامخ رهبر شان تجلیل بعمل می آورند. وی در قسمت دیگری از سخنان شان فرمودند: مردم ما در طول تاریخ مظلوم بوده و حتی در دوران جهاد چهارده ساله مظلوم بودن ولی به رهبری آگاهانه، استاد شهید مردم ما در کابل حضور فعال پیدا کرده که دشمنان خارجی و داخلی تحمل نتوانستند و چندین جنگ را بر ما تحمیل کردند و تا حادثه افشار و غرب کابل پیش آمد. اما هر مرتبه مردم ما پر صلابت تر از دفعات قبل، هويت و موقعیت نظامی سیاسی خویش را تثبیت نمودند، پس از فاجعه افشار و حتی سقوط غرب کابل سیاف، مسعود و ریانی جنگ را بر ما تحمیل کردند اما مزاجه به شکست شدند و مردم ما دوباره موقعیت خود را تثبیت نمودند که این جای افتخار برای ما و رهبر شهید ماست.

استاد خلیلی ضمن بر شمردن عوامل شهادت استاد مزاری فرمودند: در فاجعه غرب کابل تنها طالبان عامل نبودند عامل اول شورای نظار، عامل دوم جریان خیانت و معامله بود و عامل سوم طالبان بود که سر انجام به همدستی دسته های داخلی و حلقات خارجی فاجعه برآورد پیوست.

استاد خلیلی در پاسخ این شایعه که استاد مزاری فریب طالبان را خورده گفت: این یک جفا در حق استاد است. بلکه استاد قبل از همه ماهیت طالبان را شناخته بود و کاملاً آگاهی داشتند وقتی طالبان لوگر و چهار آسیاب را گرفتند وارد کابل شدند راه دیگر وجود نداشت جز اینکه راه امام حسین(ع) را پیش ص ۹

هم زمان با فرا رسیدن نخستین سالگرد شهادت رهبر شهید و یاران باوفایش مراسم عزای ملی در مرکز ولایت بامیان و نقطه نقطه هزاره جات به طرز با شکوهی برگزار گردیده و طی محافل عزاداری و سوگزاری به مدت سه روز ۲۰ الی ۲۲ حوت، از مقام شامخ پیشوای شهید تجلیل بعمل آمده. یاد و خاطرات آن پدر دلسوز گرامی داشته شد.

شهر بامیان یک پارچه تعطیل و با نصب پلاکارت ها، پرچم ها و فوتهای از رهبر شهید و بارانش تزئین یافته و در عزای ملی فرو رفته بود.

گزارش همچنان حاکیست که مراسم یاد و خاطرات رهبر شهید با شرکت هزاران تن از مردم شریف، بامیان، فولادی، دره سادات،

شهیدان، سرخ دره، حیدرآباد، سیدآباد، خوشک، سرآسیاب، شبیر و شنبلی، سیغان و کهورد، طلاب و اساتید مدرسه سیغان، مدرسه فولادی، محصلین و شاگردان مکاتب نسوان و پسران بامیان، قوماندانان، افسران و سربازان اردوی قهرمان حزب وحدت اسلامی، در حضور دبیر کل حزب و اعضای محترم شورای مرکزی در حسینیه سرخ قل برگزار گردید. حسینیه که با نصب پلاکارت های انقلابی و تصاویری از رهبر شهید و شهدای انقلاب اسلامی و تصاویری از حضرت آیت الله محقق کابلی، آذین یافته بود، عزاداران که یک پارچه سوگ و گداز بودند با شعار های مزاری مزاری راحت ادامه دارد، خلیلی خلیلی تسلیت، تسلیت، سلام بر مزاری، درود بر خلیلی، یکبار دیگر حضور پرشکوه خود را در جهت ادامه راه پر افتخار رهبر به ثبوت رسانند.

طبق همین گزارش اولین روز این مراسم، که در میان امواج بی پایان غم و اندوه مردم با قرائت آیات از کلام الله مجید آغاز گردید، عده از برادران و خواهران سرود و مقاله های شان را قرائت نمودند. سخنران اصلی محفل محترم علی رحمتی عضو شورای مرکزی بود که با تفصیل پیرامون شخصیت و چگونگی شهادت استاد مزاری و فاجعه غرب کابل سخن گفت. آقای علی در بخش از سخنان خویش ضمن ترمیم خاطرات سال گذشته گفت: استاد هرگز فریب دشمنان را نخورده بلکه در هر کینه یک عده کینه توز و انحصار طلب این صحنه بوجود آمد. از طرف دیگر کار سیاسی در زمان جنگ یک اصل ضروری است که استاد شهید بدنبال پیدا نمودن راه حل از طریق تفاهم و مذاکره بود. آقای علی همچنان در بخش دیگری از سخنان خویش گفت: دوستان خارجی ما ادعا کردند که در برابر حوادث غرب کابل بی تفاوت نبشیم اما متأسفانه هیچگونه تفاوت از خود نشان ندادند، بلکه از دشمن و قاتل مردم ما در کشور خویش استقبال کردند که ملت ما خنده فاتحانه ریانی را در کنار رهبران سیاسی آنها به عنوان یک خاطره تلخ هرگز فراموش نخواهد کرد.

در گزارش آمده است که دومین روز از مراسم طبق روز اول در میان امواج اندوه و سوگاری حضار با قرائت آیات از کلام الله شریف آغاز گردیده و با اجرا و قرائت سرود ها سوگنامه ها و مقاله های چند که از همه آنها بوی غم و فرقت رهبر به مشام میرسید توسط عده از خواهران و برادران ادامه یافت.

در پایان جلسه، اینروز جناب حجت الاسلام ناطقی شفاهی عضو شورای مرکزی و مسوول کمیته فرهنگی، پیرامون تاریخچه خونبار گذشته مردم و شخصیت رهبر شهید به ایراد سخن پرداخته و افزودند که رهبر شهید تجسم عینی هويت ملی و انسانی مردم ما بود اما حسادت حلقات داخلی مزدور و توطئه وسیع بین المللی این





### جاغوری بصورت مکمل

به پاکسازی جاغوری گرفته و در مدت زمان کوتاه تمامی مناطق آنجا را از وجود نیروهای مزدور تصفیه نمودند. نیروهای قهرمان حزب وحدت اسلامی در آن منطقه که همیشه تلاش میوزیدند مسایل از راه تفاهم و گفتگو و به طریق صلح آمیز حل نمایند تا آرامش و امنیت به هر شکل ممکن در جاغوری ثابت بماند. روی این اساس هر گاهیکه نیروهای شرارت پیشه دست به اعمال ضد مصالح و منافع ملی میزدند فرماندهان و مسوولین حزب وحدت اسلامی، نظامیان و مردم را به گریستن داری دعوت نموده و کوشش میکردند تا جاتیکه امکان آن متصور است مسایل از طریق تفاهم حل گردد.

اما آبادی مزدور و خاین به مصالح و منافع مردم ما با سؤ استفاده از بین روش مسوولین حزب وحدت اسلامی، بشکل ناجوارانه طرح ترور حجت الاسلام و المسلمین صابری جاغوری را ریخته و هنگامی که موصوف از اجرای یک مأموریت صلح بر میگشت طی کمیونی موصوف را با چهار تن از یارانش بشهادت رسانیدند. در پی این عمل ننگین و ضد اسلامی مزدوران شرارت پیشه، مسوولین حزب وحدت اسلامی تصمیم گرفتند که بطور مکمل مناطق جاغوری را از لوث وجود این نیروهای شرارت پیشه پاکسازی نموده و امنیت دائمی را به منطقه برگردانند. مردم فداکار جاغوری همکارانی همه جانبه شان را بخاطر تحقق این پلان مسوولین حزب وحدت اسلامی در جاغوری، اعلان نموده و جوانان خویش را بصورت داوطلبانه جهت پاکسازی مناطق شان از لوث وجود مزدوران شرارت پیشه بسیج نمودند. عملیات به همکاری مستقیم مردم منطقه آغاز و در مدت زمان کمتر از ده روز تمامی مناطق جاغوری و قسمت های از ولسوالی قره باغ از وجود نیروهای شرور تصفیه گردید.

گزارش علاوه میکند که در این عملیات قهرمانانه مردم جاغوری صدها قبضه کلاشینکوف، ده ها پایه ماشیندار های قبیل، زیکورک، دافع هرای زی او دستگاه های پرتاب موزایل و سکر و دیپوهای ملو از مهمات مختلف النوع آنها به تصرف نیروهای حماسه آفرین مردمی حزب وحدت اسلامی افتاد. رهبری عملیات پاکسازی را مجاهد همیشه در سنگر و قهرمان فاتح و دلاور عرفانی جاغوری عضو شورایی مرکزی حزب وحدت اسلامی به عهده داشت.

### مراسم عزای ملی در بامیان

گرفت. و طالبان بی فرهنگ و خون آشام این جنایت را مرتکب شدند شورای نظار و جریان معامله در کمین بودند فوراً به غرب کابل بیرون بردند فاجعه دیگری را بوجود آوردند که در تاریخ فراموش نمیگردد.

استاد خلیلی در بخش از سخنان شان ضمن بر شمردن کمک های خداوندی در موقیعت های مجاهدین گفتند تا کنون لطف خدا مارا یاری کرده، عزت و عظمت را نصیب ما نموده که باید احسان خدا را فراموش نکنیم.

وی در پایان سخنرانی شان از هوشیاری و درایت مسوولین و پایردی و استقامت نیروهای نظامی حزب وحدت به مردم اطمینان داده از عموم مردم نظامیان قهرمان و مسوولین کمیته ها خصوصاً کمیته فرهنگی و ستاد تبلیغاتی اظهار تشکر و قدر دانی نمودند.

همچنان خبرنگار اعزامی ما می افزاید که مراسم مشابهی درین روز در خط مقدم جبهه شیخ علی در میان امواج سنگرداران خط خونین رهبر شهید برگزار گردید. که سنگرداران ضمن خواندن نوحه، مقاله و قرائت قرآن عظیم الشان، با خون آن رهبر فرزانه تجدید میثاق نمودند.

قرار گزارش دیگر درین روز مراسم عزای ملی در مدرسه محمدیه فولادی با شرکت هزاران تن از مردم شریف فولادی، اعضای شورای مرکزی، اعضای کمیته های فرهنگی، ستاد تبلیغاتی رهبر شهید، شاگردان و معلمین مکاتب بامیان و دیگر اقشار مردم برگزار گردید.

مراسم که با تلاوت آیات از کلام الله مجید آغاز گردید با سروده ها و مقالات عده از شاگردان مکاتب شریف هزاره، مکتب امام جعفر صادق و مدرسه فولادی ادامه یافت در بخش دیگر این مراسم آقای اکبری عضو کمیته فرهنگی پیرامون نقش عالم در جامعه صحبت نموده گفتند رهبر شهید مزاری یک عالم صالح، متقی، و دردمند و روشنی بود که با درک سابقه تاریخی و شرایط موجود مردم خود، تلاش های خستگی ناپذیری به عمل آورد تا جایگاه مردم خویش را در ساختار سیاسی آینده مشخص نماید.

در ختم این مراسم حجت الاسلام صفدری مسول ستاد تبلیغی رهبر شهید به ایراد سخن پرداخته و ضمن ارج گزارش تلاشهای رهبر شهید بخاطر بیرون کشیدن مردم ما از مظلومیت سده های متعددی در کشور، از سوی رهبری حزب وحدت اسلامی از مردم و طلاب مدرسه بخاطر تدویر محفل سالگرد رهبر شهید اظهار تشکر و قدر دانی نمود.

### انتضاح دیگری برای مسوولین

و فاشیستی ربانی در افغانستان از هر گونه کوششی فرو گذار نمی نمایند. در همین راستا اخیراً محمد اکبری یکی از رهبران شبکه خاین به منافع ملی افغانستان که با صلاحیت «سیاهی لشکر» رئیس جمهور نام نهاد کابل را تا تهران همراهی نموده بود، مقامات دولتی ایران به اصطلاح خودشان موصوف را «خوب تحویل گرفته» و تلاش ورزیدند وی را به عنوان شخصیت سیاسی و مذهبی برمهجرین ما نیز «تحمیل» نمایند. اما موج آگاهی که وجدان و ذهنیت مردم ما را در پرتو رهنمود ها و عملکرد های رهبر شهید، از آن خویش ساخته است، این تلاش مفتضحانه، مسوولین ایران را نقش بر آب ساخت.

گزارشهای رسیده از تهران حاکیست که مسوولین دولتی ایران با سؤ استفاده از قداست و نفوذ مذهبی حضرت امام خمینی (رح) مجلس سخن رانی را در صحن مرقد امام راحل ترتیب و تحت مراقبت شدید امنیتی محمد اکبری را وارد جلسه نموده و بعنوان سخنران محفل اعلام نمودند. مسوولین اطلاعاتی و کشوری ایران با اندوختن تجربه تلخ از انتضاح سید فاضل و عالمی بلخی در قم، شدیداً جلسه را در کنترل گرفته و از هر نوع حرکت مشکوک و یا آواز نسبتاً بلند برادران مهاجر ما با خشونت جلوگیری میکردند. وقتی خواهران و مادران حماسه آفرین و تاریخ ساز ما این وضعیت را مشاهده کردند به کندن و پاره کردن عکس های خاینین ملی پرداخته و ضمن پخش آن در فضا شعار های مرگ بر خاینین ملی، مرگ بر اکبری، درود بر مزاری بزرگ را آنقدر بلند تکرار نمودند تا بلاخره مؤذن گردیدند نظم جلسه را بهم زده و از سخنرانی اکبری جلوگیری نمایند.

مقامات هر قدر کوشیدند فریاد های حقّه انسانی و اسلامی خواهران ما را در حنجره های شان خفه سازند و از تکرار شعار ها جلوگیری نمایند. مؤذن نگردیده و سر انجام شکست خورده و مایوس جلسه را ملغی اعلام نمودند. مسوولین دولتی ایران این عمل مهاجرین را اهانت به شخصیت واراده حاکمیت فعلی ایران دانسته و در واکنش به آن به لت و کوب برادران مهاجر و بی گناه، ما در صحن مرقد امام پرداختند و در فرجام هزده نفر از این برادران ما را با سروصورت زخمی و خونین به اتهام دست داشتن در قضیه به زندان و شکنجه گاه های رژیم فرستادند که تا کنون از سرنوشت درد ناک آنان خبری در دست نیست.

لازم به بیاد آوری است که این چندمین بار است که مسوولین ایران میخواهند خلاف اراده ملت ما، خاینین ملی ما را به عنوان رهبران مذهبی و سیاسی، بر مردم آگاه ما تحمیل نمایند. این عمل آنها در موج آگاهی که ناشی از واقعیت های برهنه و سرخ سه ساله غرب کابل است، هربار جز انتضاح و رسوایی پیامد دیگری برای مسوولین آن جمهوری نداشته است.

ما بار، بار و به تکرار برای مسوولین جمهوری اسلامی ایران این نکته را تذکره داده و یکبار دیگر نیز یاد آور می شویم که حمایت برهنه و دور از منطق سیاسی آنها از رژیم فاشیست، ضد مردمی و منفور کابل از همجنان جانب داری عقده ای از خاینین ملی ما، جز کشاندن ایران به یک باتلاق سیاسی ناخواسته در مساله افغانستان، ثمره دیگری قطعاً برای مسوولین آن جمهوری ببار نخواهد آورد. برادران ایرانی ما باید بدانند که ما در سه سال مقاومت غرب کابل ماهیت اصلی تمامی چهره ها و اهداف استعماری کشور ما را با خون خود تجربه کرده و این تجربه، معیار برخورد ما با واقعیت های جاری در افغانستان است.

مسوولین جمهوری اسلامی ایران میتوانند مهاجرین ما را از کشور خود با اهانت و تا آخرین فرد بیرون نمایند. قادر اند با گرایشات نژادی در تیبانی با دولت فاشیست کابل هزاره های افغانستان را قتل عام نمایند، اما این را بپذیرند که با اعمال هر نوع فشار و ژنوسیدهای انتیکی در اراده مردم ما بخاطر آزادی و تامین عدالت اجتماعی در کشور هرگز خللی وارد نخواهد توانست.

### طلوع سرخ

هزاره رنگین است. ستم سالاران در کنار برکه ای از خون هزاره، مستانه می خندند اما عدالت و مردم، در ماتم سرخ نشستند است که فریاد گرش را، گلو بریده اند و خونی که در رنگهای این فریاد، جاری بود اکنون بر زمین ریخته است.

یکسال گذشت از روزیکه باد سرد خزانی، بر کشتزار امید خلق های ستمکش، شوریید و بهار را به پیشواز زمستان سرد ستم سالاری، در نیمه راه رسیدنش، بی رحمانه، بخاک و خون کشید.

آن روز در همیشه تاریخ، برای مردم افغانستان، عزای ملی است. مردمی که تصمیم داشتند با دستان آفتابی او که در بستر خون آرمیده، شب های سیاه ستم، تبعیض و نابرابری را، بشکافتند و سپیده روشن را در نوید تابش آفتاب عدالت، بر کشتزار نیم سوخته وطن، هدیه نمایند.

درست یکسال است که سنگر عدالت، در پایتخت جنگ زده کشور، پرچمدار خود را، در یک دسیسه خاینانه، از دست داده و اکنون در گردش مداوم سال و ماه و روز، لحظه ای را می یابیم که بر کالبد هستی ما، خون از آن چکه می زند. لحظه کوتاه اما به درازای کل تاریخ خود، به این لحظه، مکث نماییم. هر هومطنی که پشتش در زیر بار محرومیت، خم گشته و شلاق ستم، شانه هایش را، کبود نموده، برای درک موقعیت فعلی و تشخیص راه آینده خود، باید به این لحظه، تأمل عمیق نماید.

گرچه مردمیکه محکوم می شود، تاریخش نیز مثل آن مردم، با محکومیت مواجه می گردد. چون تاریخ نیز پیام دارد. تاریخ پیامی را که در عصر خود، خفه می شود، به آینده منتقل می کند. اگر بناست قومی، محکوم گردد؛ باید این محکومیت برای نسل آینده هم به ارث بماند. این است تاریخ نباید دست و پا زدن مظلومانه این قوم را در زیر تیغ جلادان، با ماهیت واقعی اش، به نسل آینده فریاد زند. با تکیه به این واقعیت، در ادامه سیاست کتمان موجودیت مردم ما، هر آنچه که رنگ متعلق به مردم ما را دارد، با دسیسه، کتمان و تحریف می شود. یقین داریم که چنین دسیسه ای از سوی زور مداران، به ارتباط پرچمدار سترگ عدالت، نیز اعمال می گردد. اما تشعشع آفتاب وجود او، به اندازه ایست که تمامی پرده های سیاه و ابر های تیره کینه و خصومت را پس زده، راه خود را، به سوی باور ها، خواهد گشود. ایمان راسخ داریم که او آیت سرخ خداوند است و هرگز با شهادتش، غروب نخواهد کرد که از فراز سنگر مقاومت عادلانه اش، دوباره با طلوع سرخ قد خواهد کشید.

ما در جهاد رهایی بخش مردم افغانستان، نقش تعیین کننده داشتیم. اما با سکوت خاینانه، در برابر جهاد مردم ما، می خواستند آن را کتمان نمایند. رهبر شهید این توطئه خاینانه را با حضور و مقاومت بر حقش در کابل، افشا کرد، همانگونه که شهید مزاری، شخصیت جهادی مردم ما را در آیین مقاومت و شخصیتش، تبارز داد، با شهادتش، همه چهره های خاین را رسوا خواهد کرد.

آیا فریاد آن فریاد گر عدالت، خاموش خواهد شد؟ و سنگر ها برای همیشه واژگون؟

پرچمدار را، با بازوان بسته تیر باران کردند (کاری که در هیچ آیینی روا نبود) و با این نیت که در خاموشی صدای عدالت و برابری، راه انحصار دیگری را، در ادامه سلطنت ارثی و قبیله سالاری، هموار نماید.

هزاره را سر بریدند تا صدای عدالت را در گلوی او بخشکانند! یکی پاها را قلم می کند و خالق تراژیدی افشار و چنداول، می شود. دیگر سر می برد تا از رقیب پیش بگیرد. همه بدین منظور که در خاموشی صدای عدالت و برادری و واژگونی سنگر عدالت، راسیزم قبیله ای را، به حاکمیت برسانند. این جاست که فاشیزم در دامان وطن، تولد می یابد.

مزاری یک ملت بود و آرزوی ملی، در وجود او نهفته. شهادت او شهادت یک ملت است در جهت رسوایی فاشیزم! او از میان ما رفت و با رفتنش، واقعیت های نهفته ایرا، بر ما فروخواند.

مردم ما، بهای سنگینی را پرداختند. تا ماهیت غدارانه گروه طالبان، برای مردم افغانستان، آشکار شد.

شماره های شکار و امنیت با پرچم سفید، در زمینه بحرانی ترین شرایط اجتماعی که قتل و کشتار و غارت، بیداد می کرد، ماهیت اصلی گروه طالبان را، در پرده خود، قرار داده بود. اما شهادت شهید ملت، مزاری بزرگ، این پرده را پس زده و خطوط روشن راسیزم خشن و تعصب آمیز را، برای مردم افغانستان، آشکار ساخت.

امروز هیچ کسی تردید ندارد که جنگ کنونی کابل، تقابل دو انحصار است که برای تصاحب جام پیروزی، ظالمانه فرزندان افغان را، به کام اژدهای مرگ، روانه می سازد اینک در فرجام پیروزی یک طرف چه خواهد شد، باید برای یک فاجعه ملی، به مراتب شرارت با تر از آنچه جاپست، آماده گی گرفت. چرا اینکه فاشیزم، ماهیت جز کشتار و تباهی ندارد که صلح و برادری را از میان ملت نماید. ممکن است فاشیزم، جنگ را به نفع خود خاتمه بدهد. اما خاتمه جنگ، هرگز یعنی پایان قتل و کشتار نیست. این ضرورت برخاسته از ماهیت فاشیزم است که باید از خون ملتش، تغذیه نماید. این تجربه، گران بها، به قیمت سنگین فاجعه افشار و شهادت پرچمدار عدالت، مزاری بزرگ، بدست آمده است، و نباید در پاسداری آن، لحظه ای چشم فرو گذاشت.

خواهر و برادر! توکه بازمانده ای و هویت و شخصیت را در خط سرخ مزاری شهید می یابی، آگاه و هوشیار باش که دشمن در بند بند راهی که تو روانی، در کمین نشسته است تا این راه را، به دوراهی تردید، وصل نماید. این تو هستی که با خردمندی و تعقل، راه سرخ رهبریت را، تشخیص داده، با گامهای استوار، آن را طی نمایی. این پیام جاودانه رهبر است که با خط سرخ، در افق تیره زندگی مردم ما، نقش بسته است: برادر و خواهر! خود را جمع کن! از تفرق بپرهیز! رهبری قوی و نیرومندی را با پشتیبانی خود بوجود بیاور که سنگر عدالت هنوز، دشمنان قوی دارد. میادا که رهبر جامعه ات را با تردید و سهل انگاری، تضعیف نمایی که این مرگ خود و برادرانت است.



مسئولین دولتی شهرستان قم

# هر نوع تبلیغ از سالگرد شهادت رهبر شهید را ممنوع اعلام کردند

طبق گزارشهای رسیده از شهرستان مقدس قم، مقامات امنیتی و اطلاعاتی شهرستان قم اجرای هر نوع مراسم بخاطر تجلیل از شهادت رهبر شهید مزاری بزرگ را رسماً تحریم نموده و به مهاجرین افغانستانی که میخواهند این مراسم را در مساجد و حسینیه های عمومی برگزار و ضمن تجدید میثاق با خون رهبر بخاطر ادامه راه وی، عظمت و حاکمیت جاودانه رهبر را در قلب پیروانش به نمایش بگذارند، اجازه برگزاری محافل را ندادند.

این امر در حالی صورت می گیرد که مقامات ایرانی سخت تلاش می ورزند تا با تبلیغات سز و عاری از حقیقت، ذهنیت مهاجرین افغانستانی مقیم آنجا را به نفع حاکمیت فاشیست های همزاد خویش در کابل منحرف سازند. چنانچه در همین راستا حدود دو ماه قبل مقامات ایرانی تلاش ورزیدند تا سیدفاصل و عالی بلخی دوتن از رهبران شبکه خاین به منافع ملت افغانستان را به عنوان رهبران مذهبی بالای مهاجرین مقیم آنجا تحمیل نموده و مردم را جبراً وادار به شنیدن پاره سرایی آنها بنمایند. اما طوریکه از طریق صفحات این هفته نامه هموطنان ما در جریان قرار دارند، برادران مهاجر و ناشکن و حاضر در صحنه ما با ضربات لگد و فریاد های مرگ برخاستیم ملی و درود بر مزار، آنها را از درب مسجد بیرون انداختند که به جرم این

## کمیسیون حجاج شورای عالی مهاجرین تشکیل شد

قرار گزارش خبرنگار «صفحه» نوه بتاريخ ۲۱ حوت مطابق به فیصله شورای عالی مهاجرین کمیونی بخاطر اعزام حجاج افغانی به بیت الله شریف تشکیل گردید. این کمیسیون طی اولین جلسه خویش فیصله بعمل آورد که حد اکثر /۵۰۰ نفر از برادران و خواهران افغانی را که مستعد آدای فریضه حج باشد به بیت الله شریف اعزام نمایند. نماینده کمی حزب وحدت اسلامی را در کمیسیون نامبرده محترم استاد ندام و انجنیر لطیف احمد به عهده دارند. کمیسیون تسهیلات لازم را از قبیل اخذ پاسپورتی - انتروی ویزه، تهیه وسیله انتقال به مدینه و مکه، معظه و سایر خدمات مربوط به حجاج محترم را در داخل پاکستان و عربستان سعودی به عهده خواهند داشت. این کمیسیون بر علاوه

## اعلامیه بخش فرهنگی حزب وحدت اسلامی

### در پشاور بمناسبت سالروز شهادت رهبر

بسم الله الرحمن الرحيم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا. (قرآن کریم)

خواهر و برادر هموطن و مهاجر!

یکسال قبل درست در چنین روزی مقاومت عدالتخواهانه غرب کابل، واپسین لحظات حیات سراسر افتخار خویش را به تاریخ سپرده و سنگری که سه سال مداوم انسان غرب کابل در متن فقر و خون و آتش، فریاد عدالتخواهی انسان را به پاسداری نشسته بود، سرانجام در اثر غدر و خیانت طالبان به آرمان عدالتخواهی یک ملت، فرو ریخت و لشکر فاشیسم «تشنه بخون هزاره» و در پیشاپیش آنها دلفکان مزدور و خاین به منافع ملت ما «شبکه» تشیع دربار، پاهای ناپاک شان را بر سرزمینی گذاشتند که رجب و رجب آن با خون مدافع فقیر و گرسنه هزاره، تقدیس شده بود. سنگر عدالت فرو ریخت و فریاد عدالتخواهی انسان فقیر با خون مزاری سرخ شد.

مزاری پدر و رهبری که با باور صادقانه به اساسات اسلام راستین، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در کشور میخواست بامحکومیت و محرومیت تاریخی را از شانه های زخمی یک جامعه انسانی بزمین بگذارد و فریاد کند که در اسلام محمد(ص) همه برادراند و پیش شرط برادری اسلامی، برابری انسانی است، بجرم شکستی سنت تاریخ حاکم بر افغانستان در ۲۲ حوت ۱۳۷۲ بعد از شکنجه و اهانت توسط فاشیست های طالب فاش، تیر باران شد. بدینسان در چنین روزی مقاومت عادلانه، ما با خون رهبر مان در غرب کابل سرخ گشت و با همین خون بر اوراق سیاه تاریخ قبیله سالاری افغانستان نشست.

کمیسیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی در پشاور ضمن تقبیح شدید این عمل طالبان، شهادت بزرگمرد تاریخ معاصر افغانستان، پدر و رهبر نهضت راستین عدالتخواهی محرومان کشور مانرا به همه رهروان نستوه و توقف ناپذیر آن شهید فرزانه تاریخ تسلیت عرض نموده و از «خدای بیچاره شده گان تاریخ» مسألت مینماید تا برای فرد، فرد مان توفاندی استقامت در مقابل مشکلات و استعداد پرورنده گی راه سرخ پدر و رهبر را اعطا نماید.

بخش فرهنگی حزب وحدت اسلامی - پشاور

اهانت به سیاست های نژادی جمهوری اسلامی ایران، عده ای از برادران مهاجر ما بعد از شکنجه و زندان رد مرز گردیده و طبق یک دسیسه، از قبل طرح شده به اسارت طالبان افتادند.

مسولین جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این عمل مهاجرین، خواستند با جلوگیری از برگزاری سالگرد شهادت رهبر شهید؛ انتقام این عمل ضد سیاست های نژادی ایران را از مهاجرین گرفته و عمق خصومت خویش را با پوینده گان راه رهبر شهید بار دیگر به نمایش بگذارند.

مسولین جمهوری اسلامی خلاف تمامی نورم ها و قواعد بین المللی در مورد مهاجرین، توانستند از برگزاری محافل در سالروز شهادت پدر، رهبر و پیشوای هزاره ها و شیعیان افغانستان جلوگیری نمایند. اما این عمل انتقام جویانه، نه تنها عقده های انباشته از برخورد های ناسالم مسولین آن جمهوری در قبال مردم ما را بیشتر ساخت بلکه آنها را در راستای پیسودن راه رهبر شهید که همانا مبارزه با هر قدرت استعماری داخلی و خارجی بخاطر تأمین عدالت اجتماعی در کشور میباشد، نیز مصمم تر گردانید.

گزارش علاوه میکنند که با وجود ممنوع اعلام شدن برگزاری محافل یاد بود رهبر شهید، هزاران تن مهاجرین با احساس ما با عبور از مقابل دفتر حزب وحدت اسلامی افغانستان بادهان خموش و قلب ملو از نفرت نسبت به این عمل انتقام جویانه، صرفاً نژادی حکام ایرانی اوج احساسات شان را به نمایش گذاشتند.

ضمن تسلیت گفتن سالگرد شهادت رهبر از مردم مصمم و بیدار ما خواستند تا راه سرخ رهبر شهید مانرا که از متن مظلومیت تا وادی تحقق عدالت اجتماعی کشیده شده همیشه پر رهرو نگهدارند.

آنگاه حجت الاسلام و المسلمین عارفی (غزنیوی) به ایراد سخن پیرامون شخصیت رهبر شهید و نحوه مبارزات او بخاطر تأمین عدالت اجتماعی در کشور پرداختند، متعاقباً

محترم محمد داود نایب زاده و محترم عبدالکریم جلال قطعه شعر های را بدین مناسبت به سمع حاضرین رسانیدند. سخنران بعدی مجلس حجة الاسلام و المسلمین استاد بلاغی، عضو شورای مرکزی و مسئول کمیته سیاسی حزب وحدت اسلامی بود که پیرامون شخصیت سیاسی رهبر شهید و روند جاری سیاسی - نظامی کشور روشنی انداخته و حاضرین را به صورت مفصل در جریان آخرین تحولات سیاسی کشور گذاشتند. بخش اول محفل با قرائت دعائیه توسط محترم حجة الاسلام و المسلمین محقق «انشار» عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی پایان پذیرفته و حاضرین جلسه اعم از قوماندانان و شخصیت های سیاسی تنظیم های مختلف و هیأت های کوردیپلوماتیک به صرف نهاری

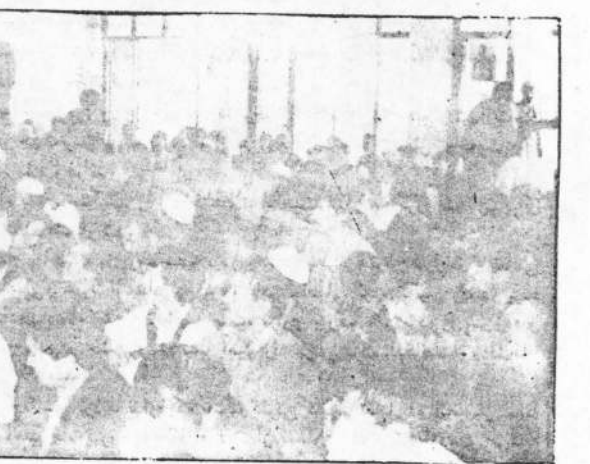
که توسط مهاجرین غرب کابل مقیم پشاور و اسلام آباد برای بیش از دو هزار نفر تهیه دیده شده بود، دعوت گردیدند. بخش دوم محفل که شامل مراسم عزاداری بود ساعت دوی بعد از ظهر آغاز و تا نزدیکی های غروب ادامه یافت.

## مطابق به فیصله شورای مرکزی ح. و. ا. محترم الحاج محمد کاظم و انجنیر محمدتی وظایف خویش را در دفتر نمایندگی پشاور اشغال نموده

در مطابقت به فیصله شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی مبنی بر تغییراتی در دفتر نمایندگی پشاور حزب وحدت اسلامی محترم الحاج محمد کاظم به صفت مسئول روابط و معاون نماینده گی دفتر پشاور و انجنیر محمد تقی به صفت مسئول امور مالی دفتر، معرفی گردیده و طی مراسم مختصر به منسوبین دفتر معرفی و وظایف شان را اشغال نمودند.

## مهاجرین فقیر و آواره غرب کابل

از هموطنان مهاجر ما به تلاوت قرآن عظیم الشان مشغول بودند. محفل جذبه خاص معنوی بخود گرفته و هر کس تلاش میوزید خدمتی برای دیگری انجام دهد. با گذشت هر لحظه بر انبوه



جمعیت حاضرین علاوه میگردد و ظنین ملکوتی آیه های قرآن بر قدسیت و عظمت مجلس می افزود. ساعت ۱۰/۳۰ قبل از ظهر را نشان میداد که آنانسر پروگرام، محترم انجنیر عارف شروع محفل را اعلام نمود. محترم قاری حیدری عقب تربیون قرار گرفت و باره دیگر ظنین عظمت آفرین آیه های قرآن سکوت سنگین مسجد را شکست... و بشر الصابرين الذين ادا اصابتهم مصيبة قالوا لاله و انا اليه راجعون... و بشارت ده بر استقامت کنندگان، آنانی را که هنگام برخورد با مصائب میگویند ما از خداییم و به سوی او بازگشت مینماییم.

محفل با قرائت پیام استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی توسط محترم استاد «ندام» مسئول بخش فرهنگی حزب وحدت اسلامی در پشاور و مدیر مسئول جراید «صفحه» نو و «امروز ما» آغاز یافت. استاد ندام قبل از قرائت پیام استاد خلیلی طی صحبت مختصر به نمایندگی از بخش فرهنگی حزب وحدت اسلامی در پشاور از تشریف آوری حاضرین اظهار قدردانی نموده و

## تذکر ضروری...

در روزنامه شهادت حتی مضمون سخنرانی و پراگراف های از متن سخنرانی استاد خلیلی را نیز در مضمون خبر درج کرده اند. ما در کمال احترام با مدیر مسوول روزنامه قاس تیلنفرتی گرفته و یاد آور شدیم که روز ۲۲ حوت ساعت ده قبل از ظهر استاد خلیلی در بامیان سخنرانی نموده و ساعت یازده همان روز توسط یک فرزند هلی کوپتر عازم مزارشرف گردیده اند. در همان روز ایشان سخنرانی مفصلی در مزارشرف داشته و روز ۲۳ حوت را مکمل در مزار شریف بوده و روز ۲۴ حوت دوباره به بامیان عودت نموده اند. بر این اساس ما خواهان منبع رسمی خبر از برادران گردیدیم. مدیر مسوول روزنامه شهادت از به امتناع از به میان آوردن منبع خبر، بسیار خونسردانه و جواب ما اظهار نمودند که نشر این خبر اشتباه بوده و سهواً در روزنامه شهادت نشر گردیده است.

ما در حالیکه این توجیه مدیر مسوول شهادت را دور از منطق روزنامه نگاری می دانستیم و بر این باور بودیم که درج یک کلمه یا یک حرف میتواند اشتباه یک روزنامه نویس باشد اما ساختن و جعل یک جز با تمامی جزئیات آن و کوبیدن آن به تیر درشت بر پیشانی یک روزنامه جز زمینه سازی برای تداعی یک ذهنیت در افکار عامه و پیاسد های سیاسی محتوم آن در مجامع بین المللی، منطق دیگری نمیتواند داشته باشد.

با در نظر داشت همه این مسایل مهر سکوت بر لب نهاده و صرفاً در کمال احترام و متراضعانه از آقای بشارت مدیر مسوول خراستیم که حد اقل این خبر را که خود به غلط بودن آن اعتراف دارند، در شماره بعدی تکذیب نمایند.

و چنین انتظاری هم از روزنامه شهادت ارگان مرکزی حزب اسلامی افغانستان (متحد سیاسی و نظامی حزب وحدت اسلامی) داشتیم. اما با کمال تأسف در نشر شماره بعدی مترجه گدیدیم که دوستان نه تنها که کوچکترین اعتنایی بخواهش ما نکردند بلکه به اعتراض قانونی ما هم با بی تفاوتی برخورد کرده اند بخش فرهنگی حزب وحدت اسلامی در کمال احترام به دوستان دست اندر کار نشر روزنامه و بخصوص مدیر مسوول محترم آن آقای محمد نذیر بشارت یاد آور میشود؛ دبیری فیکچر که ما دوشادوش هم چهارده سال جهاد مقدس و سه سال مقاومت در برابر فاشیسم کابل را پشت سر گذاشته ایم، آیا این امر کافی نیست که دیدگاه های گذشته را کنار گذاشته و به تنظیم ها و شخصیت های ملی دیگر ملت های کشور، همانطوریکه ما ارج میگذاریم آنها نیز احترام بگذارند. ما عدم تکذیب این خبر را در روزنامه شهادت خالی از دو برخورد آگاهانه نمیدانیم.

۱- واقعا دوستان ما در جعل این خبر تعمد داشته و میخواهند ذهنیت ملی و بین المللی را در راستای سیاست های خارجی حزب وحدت متخوش سازند.  
۲- دوستان با جهان بینی خاص خود شان به مردم، حزب و شخصیت های ملی ما مینگرند. و با همین دیدگاه بخویش حق میدهند که در مورد ما «هرتسی» که خود لازم دیدند بترانند و بفروشند و مسلماً در چنین جهان بینی ما کوچکتر از آنیم که حق اعتراض داشته باشیم.  
بهر ترتیب، ما پیگیری جدی این مسأله را مخصصاً از شخصیت جهادی و صادق کشور ما محترم حکمتیار امیر حزب اسلامی افغانستان خواهانیم (صفحه نو، ۲)